تلاشی در مسیر موفقیت

ترنج بوک

- دانلود گام به گام تمام دروس
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- مشاوره کنکور
- فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۲ مهر ۱۴۰۱

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم توزنده‌جانی، محمدمهدی حقی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، نسترن صمدی، جواد زنگنه قاسم‌آبادی، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، سیدمهدی علوی‌پور، امیر محمودیان
اقتصاد	نسرین جعفری، مائده حسنی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، سیدعلیرضا علویان، فرهاد علی‌نژاد، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان، سیدمحمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگین غلامی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی، ولی برجی، بهروز حیدربکی، حسین رضایی، کاظم غلامی، مرتضی کاظم‌شیرودی، سیده محیا مؤمنی، علی محسن‌زاده، سیدمحمدعلی مرتضوی
تاریخ و جغرافیا	علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، علی‌محمد کریمی، ملیحه گرجی، آزاده میرزایی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیایی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان، سیدعلیرضا علویان، امیرحسین واحدی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی، اسماعیل علی‌پور	لیلا ایزدی
تاریخ	میلاد هوشیار	میلاد هوشیار	زهرا دامیار	خدیجه جنت‌علی‌پور
جغرافیا	میلاد هوشیار	میلاد هوشیار	زهرا دامیار	
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد، امیرکیا باقری	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد، فاطمه صفری	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	**سیّد محمدعلی مرتضوی**
مسئول دفترچه	**زهرا دامیار**
گروه مستندسازی	**مدیر: مازیار شیروانی‌مقدم، مسئول دفترچه: زهره قموشی**
حروف‌چین و صفحه‌آرا	**مهشید ابوالحسنی**
ناظر چاپ	**حمید عباسی**

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینهٔ «۴» *(سعید عزیزخانی)*

وقتی شهر A ناممکن شود رستوران‌ها و تفریحات آن هم ناممکن می‌شود بنابراین فقط شهر B و C باقی‌مانده‌اند. علی می‌تواند شهر B یا شهر C را انتخاب کند. در شهر B دو رستوران و سه نوع تفریح مدنظر دارد بنابراین طبق اصل ضرب:

تعداد انتخاب‌ها در شهر B $= ۲\times ۳ = ۶$

و در شهر C سه رستوران و سه نوع تفریح مدنظر دارد:

تعداد انتخاب‌ها در شهر C $= ۳\times ۳ = ۹$

در نهایت تمامی حالت‌ها طبق اصل جمع برابر $۶+۹=۱۵$ است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲- گزینهٔ «۲» *(احمدرضا ذاکرزاده)*

در این‌جا تعداد کل جایگشت‌ها برابر می‌شود با $۶! = ۷۲۰$ از طرفی تعداد حالت‌هایی که رضا و محمد کنار هم باشند هم به صورت زیر تعیین می‌شود.

$$\underbrace{۲!}_{\text{جابه‌جایی رضا و محمد}} \times ۵! \Rightarrow \text{امید، مهدی، سهیل، اصغر و رضا و محمد} = ۲۴۰$$

تعداد حالت‌هایی که می‌خواهیم رضا و محمد کنار هم نباشند، برابر است با:

$$۷۲۰ - ۲۴۰ = ۴۸۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۳- گزینهٔ «۳» *(احمدرضا ذاکرزاده)*

در اولین رقم سمت چپ رقمی غیرصفر می‌توان قرار داد و در رقم بعدی چون تکرار ارقام مجاز نیست از تعداد کل ارقام یکی کم می‌کنیم و به همین ترتیب رقم‌های بعدی را انتخاب می‌کنیم:

$$_ \times _ \times _ \times _ = ۳۰۰$$
$$۵ \quad ۵ \quad ۴ \quad ۳$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۴- گزینهٔ «۱» *(علیرضا عبدی)*

با ساده کردن کسر داده شده، داریم:

$$A = \frac{(n-1)!(n-4)!}{(n-2)!(n-3)!} = \frac{(n-1)(n-2)!(n-4)!}{(n-2)(n-3)(n-4)!} = \frac{n-1}{n-3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ و ۶)

۵- گزینهٔ «۳» *(سامان اسپهرم)*

با توجه به صورت تست، جواب فاکتوریل با خودش برابر است. می‌دانیم تنها اعدادی که فاکتوریل آن‌ها با خودشان برابر است، اعداد ۱ و ۲ هستند.

یعنی $۱! = ۱$ و $۲! = ۲$ در نتیجه باید داشته باشیم:

$$\begin{cases} ۳x^۲ - ۱ = ۱ \Rightarrow ۳x^۲ = ۲ \Rightarrow x^۲ = \frac{۲}{۳} \Rightarrow x = \pm\sqrt{\frac{۲}{۳}} \notin Z \\ \text{یا} \\ ۳x^۲ - ۱ = ۲ \Rightarrow ۳x^۲ = ۳ \Rightarrow x^۲ = ۱ \Rightarrow x = \pm ۱ \in Z \end{cases}$$

پس تنها به‌ازای ۲ مقدار صحیح x، تساوی داده شده برقرار است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ و ۶)

۶- گزینهٔ «۲» *(محمدمهدی حقی)*

در صورت سؤال خواسته شده که کلمه حرف تکراری نداشته باشد. همچنین حرف «ی» دو بار تکرار شده است پس یکی از حروف «ی» را کنار می‌گذاریم.

و اکنون ۸ حرف باقی می‌ماند.

ابتدا دو حرف «ع ـ ل» را انتخاب شده در نظر می‌گیریم و با حروف باقی‌مانده باید کلمهٔ سه حرفی بسازیم که جایگشت در آن اهمیت دارد.

بنابراین:

$$\underbrace{۲!}_{\substack{\text{جابه‌جایی}\\ \text{حروف (ع ـ ل)}}} \times \underbrace{\frac{۶!}{(۶-۳)!}}_{\substack{\text{جایگشت ۳ حرف از ۶ حرف}}} = ۲۴۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۷- گزینهٔ «۳» *(سامان اسپهرم)*

دقت کنید که چون در صورت سؤال گفته شده که الزامی نیست به همهٔ سؤالات پاسخ داده شود، پس برای هر سؤال ۵ انتخاب وجود دارد؛ یعنی انتخاب یکی از ۴ گزینه و یا نزدن تست. تعداد سؤالات برابر ۲۸۰ است، پس تعداد حالت‌ها برابر است با $۵^{۲۸۰}$.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۸- گزینهٔ «۳» *(علیرضا عبدی)*

برای رفتن از W به Z یا از مسیرهای بالایی می‌رویم یا مسیرهای پایینی. پس دو اتفاق رخ می‌دهد:

$$W \xrightarrow{\text{راه ۱}} X \xrightarrow{\text{راه ۲}} Z \Rightarrow \text{تعداد حالت‌ها} = ۱\times ۲ = ۲$$

$$W \xrightarrow{\text{راه ۳}} Y \xrightarrow{\text{راه ۲}} Z \Rightarrow \text{تعداد حالت‌ها} = ۳\times ۲ = ۶$$

بنابراین تعداد کل راه‌ها $۶+۲=۸$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

تلاشی درمسیر موفقیت

۹- گزینهٔ «۳» *(امیر محمودیان)*

تعداد راه‌های مستقیم از C به E را x و تعداد راه‌های مستقیم از A به F را y در نظر می‌گیریم:

برای رفتن از A به E مسیرهای $ABCE$، $ABCDE$ و AFE وجود دارد که به‌ترتیب برابر است با: $۲\times۴\times x$، $۲\times۴\times۲\times۱$ و $۲\times y$:

بنابراین تعداد کل مسیرها از A به E برابر است با:

$$۸x+۱۶+۲y$$

برای رفتن از D به C مسیرهای DC، DEC و $DEFABC$ وجود دارد که به‌ترتیب برابر است با: ۲، $۱\times x$، $۱\times۲\times y\times۲\times۴$

بنابراین تعداد کل مسیرها از D به C برابر است با:

$$۲+x+۱۶y$$

$$\begin{cases}۸x+۲y+۱۶=۴۲\\۲+x+۱۶y=۸۴\end{cases}\Rightarrow\begin{cases}۸x+۲y=۲۶\\x+۱۶y=۸۲\end{cases}$$

$$\xrightarrow{\times(-۸)}\begin{cases}-۶۴x-۱۶y=-۲۰۸\\x+۱۶y=۸۲\end{cases}$$

$$\xrightarrow{+}-۶۳x=-۱۲۶\Rightarrow x=۲\Rightarrow ۸\times۲+۲y=۲۶\Rightarrow y=۵$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۰- گزینهٔ «۳» *(جواد زنگنه قاسم‌آبادی)*

دو حالت زیر را می‌توان در نظر گرفت:

$$\left.\begin{array}{l}۶\times۱۰!\times۷\Rightarrow \text{زن}\{۱۰\text{نفر دیگر}\}\text{زن: حالت اول}\\۴\times۱۰!\times۵\Rightarrow \text{مرد}\{۱۰\text{نفر دیگر}\}\text{مرد: حالت دوم}\end{array}\right\}$$

$$\Rightarrow ۷\times۱۰!\times۶+۵\times۱۰!\times۴=۶۲\times۱۰!$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینهٔ «۲» *(ابوالفضل بهاری)*

در معادلهٔ اول، ابتدا مقدار x را به‌دست می‌آوریم و سپس با جای‌گذاری در معادلهٔ دوم مقدار k را به‌دست می‌آوریم:

$$۸x+۳=۵x+۱۲\Rightarrow ۳x=۹\Rightarrow x=۳$$

$$\xrightarrow{x=۳}\frac{k+۳}{۳}=-k-۲(۳)+۵$$

$$\Rightarrow\frac{k+۳}{۳}=-k-۱\Rightarrow k+۳=-۳k-۳\Rightarrow ۴k=-۶$$

$$\Rightarrow k=\frac{-۶}{۴}\Rightarrow k=\frac{-۳}{۲}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۷)

۱۲- گزینهٔ «۱» *(سیدمهدی علوی‌پور)*

با استفاده از فرمول مساحت و محیط مستطیل داریم:

محیط: $۲(x+y)=۱۸\Rightarrow x+y=۹\Rightarrow x=۹-y$

مساحت: $x.y=۱۸\Rightarrow x=\frac{۱۸}{y}$

$$\Rightarrow\frac{۱۸}{y}=۹-y\Rightarrow -y^۲+۹y-۱۸=۰$$

$$\Rightarrow y^۲-۹y+۱۸=۰\Rightarrow (y-۳)(y-۶)=۰\Rightarrow\begin{cases}y=۳\Rightarrow x=۶\\y=۶\Rightarrow x=۳\end{cases}$$

پس مستطیلی به ابعاد ۳ و ۶ داریم:

$$\Rightarrow ۶-۳=۳\text{ اختلاف طول و عرض}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۲)

۱۳- گزینهٔ «۱» *(سعید عزیزخانی)*

نکته: درتبدیل معادلهٔ درجهٔ دوم $ax^۲+bx+c=۰$ به روش مربع کامل به فرم $(x+k)^۲=h$ داریم:

۱) $k=\frac{b}{۲a}$ و $h=\frac{-c}{a}+k^۲$

۲) مقداری که به دو طرف اضافه می‌شود $=k^۲$

۳) مقداری که از آن جذر گرفته می‌شود $=h$

با توجه به معادلهٔ درجهٔ دوم داده شده $a=۱$ و $b=۳$ و $c=-۱$ است. با توجه به نکتهٔ مذکور داریم:

$$k=\frac{b}{۲a}=\frac{۳}{۲},\ h=۱+z^۲=\frac{-c}{a}+k^۲=۱+\frac{۹}{۴}\Rightarrow z^۲=\frac{۹}{۴}$$

در نهایت $k=\frac{۳}{۲}$ و مقداری که از آن جذر گرفته می‌شود $h=۱+\frac{۹}{۴}=\frac{۱۳}{۴}$ است، پس برای مجموع خواسته شده داریم:

$$\frac{۱۳}{۴}+\frac{۳}{۲}=\frac{۱۹}{۴}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۷)

۱۴- گزینهٔ «۱» *(احمدرضا ذاکرزاده)*

در معادلهٔ درجهٔ دوم $ax^۲+bx+c=۰$ در صورتی که $\Delta=۰$ باشد، معادله دارای ریشهٔ مضاعف $x=\frac{-b}{۲a}$ است.

$$x=-\frac{b}{۲a}=-\left(\frac{-(k+۲)}{\frac{۲k}{۳}}\right)=\frac{k+۲}{\frac{۲k}{۳}}=\frac{۳k+۶}{۲k}=۳$$

$$\Rightarrow ۶k=۳k+۶\Rightarrow k=۲$$

با بررسی Δ معادله داریم:

$$\Delta=۰\Rightarrow(-(k+۲))^۲-۴\left(\frac{k}{۳}\right)(m)=۰$$

$$\Rightarrow(k+۲)^۲-۴\left(\frac{k}{۳}\right)(m)=۰\xrightarrow{k=۲}$$

$$(۲+۲)^۲-۴\left(\frac{۲}{۳}\right)(m)=۰\Rightarrow ۱۶-\frac{۸m}{۳}=۰\Rightarrow m=\frac{۴۸}{۸}=۶$$

$$\Rightarrow m+۲k=۱۰$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۱۵- گزینهٔ «۱» *(احمدرضا ذاکرزاده)*

با نوشتن معادلهٔ مورد نظر داریم:

$$۲x=\frac{۱}{۳}x^۲-۹\Rightarrow\frac{۱}{۳}x^۲-۲x-۹=۰$$

$$\xrightarrow{\times ۳}x^۲-۶x-۲۷=۰\Rightarrow(x+۳)(x-۹)=۰$$

$$\Rightarrow\begin{cases}x+۳=۰\Rightarrow x=-۳<۰ & \text{غ ق ق}\\ x-۹=۰\Rightarrow x=۹>۰ & \text{ق ق}\end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۲)

۱۶- گزینهٔ «۱» *(امیر محمودیان)*

معادلهٔ داده شده ریشهٔ مضاعف دارد؛ پس $\Delta=۰$ است:

$$\Delta=۰\Rightarrow\big(-(۲a+۱۰)\big)^۲-۴(a-۱)(۵a)=۰$$

$$\big(-۲(a+۵)\big)^۲-۴(۵a^۲-۵a)=۰$$

$$\Rightarrow ۴(a+۵)^۲-۴(۵a^۲-۵a)=۰$$

$$\Rightarrow ۴\Big[(a+۵)^۲-(۵a^۲-۵a)\Big]=۰$$

$$\Rightarrow a^۲+۱۰a+۲۵-۵a^۲+۵a=۰$$

$$\Rightarrow -۴a^۲+۱۵a+۲۵=۰$$

حال معادلهٔ به‌دست آمده برحسب a را به روش Δ حل می‌کنیم:

$$\Delta=۱۵^۲-۴(-۴)(۲۵)=۲۲۵+۴۰۰=۶۲۵$$

$$a=\frac{-۱۵\pm\sqrt{۶۲۵}}{-۸}=\frac{-۱۵\pm۲۵}{-۸}\Rightarrow\begin{cases}a=۵\\ a=-\frac{۱۰}{۸}=\frac{-۵}{۴}\end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۱۷- گزینهٔ «۳» *(محمد مهدی مقی)*

ابتدا مخرج دو طرف تساوی را برابر می‌کنیم:

$$\frac{(x+۱)^۲}{(x-۴)(x+۱)}=\frac{x^۲-kx-۵}{(x-۴)(x+۱)}$$

$$\Rightarrow x^۲+۲x+۱=x^۲-kx-۵\Rightarrow ۲x+kx=-۶$$

اگر ریشه‌های این معادله با ریشه‌های مخرج کسر معادلهٔ گویا (اولیه) برابر باشند؛ ریشه‌ها قابل قبول نیستند و معادلهٔ گویا ریشه ندارد.

$$\Rightarrow\begin{cases}x=۴:۴(۲+k)=-۶\Rightarrow k=-۳/۵\\ x=-۱:-۱(۲+k)=-۶\Rightarrow k=۴\end{cases}$$

از طرفی معادلهٔ $۲x+kx=-۶$ به‌ازای $k=-۲$ نیز جواب ندارد. پس به‌ازای ۳ مقدار k معادله جواب حقیقی ندارد.

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۱۸- گزینهٔ «۱» *(جواد زنگنه قاسم‌آبادی)*

مقدار $x=-۲$ را در معادله جایگزین می‌کنیم:

$$x=-۲\Rightarrow\frac{(-۲)^۲-۳}{۲(-۲)+a-۱}=\frac{a(-۲)-۱}{۳(-۲)^۲-۸}\Rightarrow\frac{۱}{a-۵}=\frac{-۲a-۱}{۴}$$

$$\xrightarrow[\text{می‌کنیم}]{\text{طرفین‌وسطین}}-۲a^۲+۱۰a-a+۵=۴$$

$$\Rightarrow -۲a^۲+۹a+۱=۰$$

$$\Rightarrow\Delta=۹^۲-۴(-۲)(۱)$$

$$=۸۱+۸=۸۹>۰$$ (معادله دو جواب متمایز دارد.)

در معادلهٔ $ax^۲+bx+c=۰$ به شرط $\Delta>۰$ مجموع جواب‌ها برابر $S=-\frac{b}{a}$ است.

$$\frac{-۹}{-۲}=\frac{۹}{۲}=۴/۵=$$ مجموع aهای قابل قبول

تذکر: دقت کنید که معادلهٔ کسری به‌ازای دو جواب a دارای جواب $x=-۲$ است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۲۳ تا ۳۸)

۱۹- گزینهٔ «۱» *(سامان اسپهرم)*

با مخرج مشترک‌گیری و حل معادلهٔ داده شده، داریم:

$$\frac{x}{۵}+\frac{x-۲}{x+۱}=\frac{۳x}{۵x+۵}\Rightarrow\frac{x(x+۱)+۵(x-۲)}{۵(x+۱)}=\frac{۳x}{۵x+۵}$$

$$\Rightarrow\frac{x^۲+x+۵x-۱۰}{۵x+۵}=\frac{۳x}{۵x+۵}\Rightarrow\frac{x^۲+۶x-۱۰}{۵x+۵}=\frac{۳x}{۵x+۵}$$

$$\xrightarrow{x\neq -۱}x^۲+۶x-۱۰=۳x\Rightarrow x^۲+۶x-۱۰-۳x=۰$$

$$\Rightarrow x^۲+۳x-۱۰=۰\Rightarrow(x+۵)(x-۲)=۰\Rightarrow\begin{cases}x=-۵ & \text{ق ق}\\ x=۲ & \text{ق ق}\end{cases}$$

$$\frac{-۱}{۵}+\frac{۱}{۲}=\frac{-۲+۵}{۱۰}=\frac{۳}{۱۰}=۰/۳=$$ مجموع معکوس ریشه‌ها

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

۲۰- گزینهٔ «۴» *(سعید عزیزخانی)*

اگر کیک را بین n نفر تقسیم کنیم به هر نفر $\frac{۱}{n}$ می‌رسد. حالا از کیک را به یک نفر داده و او می‌رود و مقدار باقیمانده از کیک $(۱-\frac{۱}{n})$ است. از n نفر یک نفر کم شده و به آن ۵ نفر اضافه می‌شود و تعداد نفرات جدید $n+۴$ نفر هستند که باقیماندهٔ کیک بین آن‌ها تقسیم می‌شود. معادلهٔ گویای صورت سؤال را تشکیل می‌دهیم:

$$\frac{۱}{n}-\frac{۱-\frac{۱}{n}}{n+۴}=\frac{۱}{۱۲}$$

$$\frac{۱}{n}-\frac{n-۱}{n(n+۴)}=\frac{۱}{۱۲}$$

$$\xrightarrow[\text{در عبارت‌ها ضرب شود}]{۱۲n(n+۴):\text{ک.م.م}}۱۲(n+۴)-۱۲(n-۱)=n(n+۴)$$

$$\Rightarrow n^۲+۴n-۶۰=۰\Rightarrow(n+۱۰)(n-۶)=۰$$

$$\Rightarrow\begin{cases}n=-۱۰ & \text{غیرقابل‌قبول}\\ n=۶ & \text{قابل‌قبول}\end{cases}$$

تعداد نفرات اولیه $n=۶$ نفر و تعداد نفرات در مرحلهٔ دوم $n+۴=۱۰$ نفر هستند.

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۸)

تلاشی درمسیر موفقیت

اقتصاد

۲۱- گزینهٔ «۴» *(مهدی ضیائی)*

الف) هر انتخاب نشان‌دهندهٔ تعداد کت یا تیشرتی است که مازیار با پول محدود خود می‌تواند خریداری کند. برای مثال می‌توانیم انتخاب «۱» را در نظر بگیریم و قید بودجهٔ آن را به‌دست آوریم:

کل بودجهٔ مازیار = (۲×۱٬۰۰۰٬۰۰۰) + (۶×۵۰۰٬۰۰۰) = ۲٬۰۰۰٬۰۰۰ + ۳٬۰۰۰٬۰۰۰ = ۵٬۰۰۰٬۰۰۰ تومان

ب) در صورتی که مازیار انتخاب «۱» را برگزیند، نسبت به انتخاب «۲»، ۴ عدد تیشرت بیشتر می‌تواند بخرد و هزینهٔ فرصت این انتخاب برابر است با ۲ عدد کتی که از خرید آن صرف‌نظر کرده است.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۵، ۲۶ و ۲۸)

۲۲- گزینهٔ «۳» *(مائده حسنی)*

ویژگی‌های مشترک کارآفرینان موفق:

تیزبین	فرصت‌های کسب و کار را زمانی که دیگران شاید متوجه نشوند، می‌بینند.
نوآور	ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.
ریسک‌پذیر	پس‌انداز و خوش‌نامی‌شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می‌آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه‌اندازی کنند.
خوش‌بین	کارآفرینان واقع‌بین هستند اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی هستند.
پرانگیزه	نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.
یادگیرنده	از کارشناسان، همکاران و مشتریان می‌آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می‌دهند.
سازمان‌دهنده	منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحهٔ ۶)

۲۳- گزینهٔ «۱» *(مهدی ضیائی)*

تشریح موارد نادرست:

ـ تقسیم سود به تناسب مالکیت سهام، از معایب ایجاد شرکت است.

ـ پرداخت مالیات بر سود علاوه‌بر مالیات بر درآمد از معایب کسب و کار شرکتی است.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

۲۴- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

الف) منابع طبیعی

ب) سرمایهٔ مالی

ج) نیروی انسانی

د) سرمایهٔ فیزیکی

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

۲۵- گزینهٔ «۴» *(مهدی ضیائی)*

مزایا و معایب انواع کسب و کار

انواع کسب و کار	مزایا	معایب
شخصی	- راه‌اندازی آسان و هزینه‌های نسبتاً اندک - آزادی عمل و سهولت در تصمیم‌گیری - مالکیت کامل سود - منافع مالیاتی	- بار سنگین مسئولیت - مشکل تأمین مالی - مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی
شراکت	- راه‌اندازی نسبتاً آسان - دسترسی به منابع و سرمایه‌های مالی بزرگ‌تر - تقسیم بار مسئولیت و هم‌افزایی توانایی‌ها	- افزایش برخی هزینه‌ها جهت تنظیم قرارداد و مشاورهٔ حقوقی با وکیل - مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی - آزادی عمل محدودتر افراد و تصمیم‌گیری سخت‌تر به‌دلیل لزوم توافق شرکا
شرکت	- مسئولیت محدود برای سهام‌داران - امکان افزایش سرمایه و تأمین مالی بانکی - امکان رقابت بالاتر - تخصص‌گرایی بیشتر	- هزینه‌های راه‌اندازی بالاتر - تأخیر در تصمیم‌گیری - پیچیدگی در رابطهٔ مدیریت و مالکیت و موفقیت‌های غیرفردی - تقسیم سود به تناسب مالکیت سهام - مالیات بر سود شرکت علاوه‌بر مالیات بر درآمد - قوانین پیچیده‌تر و گزارش‌دهی بیشتر

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۹)

۲۶- گزینهٔ «۲» *(نسرین جعفری)*

درآمد = مقدار تولید × قیمت فروش هر واحد

درآمد سالانه = (۲٬۰۰۰×۸)×۶۰٬۰۰۰ = ۹۶۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تومان = ۹۶۰ میلیون تومان

مجموع دستمزد کارگران در سال = ۲۰×۱۲ = ۲۴۰ میلیون تومان

بازپرداخت قسط وام بانکی = $\frac{۲۰}{۱۰۰}\times ۱۰۰ = ۲۰$ میلیون تومان

پرداخت دستمزد سالانهٔ کارگران موقت = ۵×۱۰ = ۵۰ میلیون تومان

مجموع هزینه‌های سالانه = ۲۴۰ + ۷ + ۲۰ + ۵۰ + ۱ + ۴ = ۳۲۲ میلیون تومان

سود یا زیان سالانه = درآمد سالیانه − هزینه‌های سالیانه

سود سالانه = ۹۶۰ − ۳۲۲ = ۶۳۸ میلیون تومان

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۲۷- گزینهٔ «۳» *(سارا شریفی)*

اشتباهات رایج در تصمیم‌گیری (عوامل رفتارهای غیرمنطقی):

۱- اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها، مثال: ترجیح دادن کالایی ۱۶۰ هزار تومانی که ۵۰ درصد تخفیف دارد بر کالایی با قیمت ۸۰ هزار تومان ـ خرید صرفاً به‌دلیل حراج یا فروش ویژه

۲- توجه به هزینه‌های در رفته، مثال: خوردن کامل غذایی که سفارش داده‌اید ولی آن را دوست ندارید، صرفاً به‌دلیل پول پرداخت شده بابت آن غذا ـ رفتن به کلاس بی‌کیفیت، صرفاً به‌دلیل پرداخت کامل شهریهٔ آن

۳- بی‌صبری زیاد، مثال: سراغ کارهای کم‌ارزش آنی رفتن، به جای صبر در تحصیل، یادگیری و بهره‌مندی از منافع آتی ـ برای تأمین هزینه‌های مصرف فعلی، زیر بار سنگین انواع بدهی‌ها رفتن

۴- اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن، مثال: خوش‌بینی زیاد دربارهٔ درآمد آینده و پس‌انداز کمتر برای نیازهای آتی ـ سرمایه‌گذاری در زمینه‌های پرخطر، بدون آمادگی لازم

۵- چسبیدن به وضعیت فعلی، مثال: چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه‌های جدید با رویکرد منطقی هزینه ـ فایده

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۲۸- گزینهٔ «۴» *(نسرین جعفری)*

$A = ٪۲۰ \times ۳ = ٪۶۰$ و B و C

٪۶۰ سهام متعلق به سه نفر اول است.

$D = ٪۱۰ \times ۲ = ٪۲۰$ و E

٪۲۰ سهام متعلق به افراد D و E است.

$٪۶۰ + ٪۲۰ = ٪۸۰$

$٪۱۰۰ - ٪۸۰ = ٪۲۰$

٪۲۰ سهام متعلق به چهار نفر آخر است.

$٪۲۰ \div ۴ = ٪۵$

٪۵ سهام متعلق به هریک از چهار نفر آخر است.

الف) اگر نفر نهم (I) مبلغ ۱۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرده باشد و اگر ٪۵ سهام متعلق به وی باشد، خواهیم داشت:

$\frac{۵}{۱۰۰} = \frac{۱۰}{x} \Rightarrow$ (کل سرمایهٔ شرکت) $x = ۲۰۰$ میلیون تومان

ب) ٪۲۰ سهام متعلق به نفر اول (A) است، اگر کل سرمایهٔ شرکت ۲۰۰ میلیون تومان باشد، آنگاه داریم:

$\frac{۲۰}{۱۰۰} = \frac{y}{۲۰۰} \Rightarrow$ (ارزش سهام متعلق به نفر اول) $y = ۴۰$ میلیون تومان

پ) ٪۲۰ سهام متعلق به چهار نفر آخر است و آن‌ها به همین میزان در سود شرکت سهیم هستند، در نتیجه خواهیم داشت:

$\frac{۲۰}{۱۰۰} = \frac{z}{۶۵۰} \Rightarrow$ (سهم چهار نفر آخر از سود شرکت) $z = ۱۳۰$ میلیون تومان

ت)

$$\text{تعداد سهام} = \frac{\text{کل سرمایه اولیه}}{\text{قیمت هر سهم}}$$

$$\text{تعداد سهام شرکت} = \frac{۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰۰۰} = ۴۰,۰۰۰$$

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحهٔ ۱۷)

۲۹- گزینهٔ «۴» *(مائده حسنی)*

الف)

میزان سود برابر با تفاوت درآمد و هزینه‌های تولید است.

هزینه‌های تولید − درآمد = سود

$\Rightarrow$ هزینه‌های تولید + سود = درآمد

$\Rightarrow ۲$ (درآمد) $= ۳۶ \Rightarrow$ درآمد $= ۱۸$ میلیون تومان

ب) از آنجا که معمولاً دست این افرادی که به کسب و کارهای حرام اشتغال دارند، در روستاها و محله‌های کوچک زود رو می‌شود، آن‌ها ترجیح می‌دهند به شهرهای بزرگ کوچ کنند تا آسان‌تر به فعالیت‌های خود بپردازند.

(اقتصاد، کسب و کار و کارآفرینی، صفحه‌های ۸ و ۹)

۳۰- گزینهٔ «۴» *(نسرین جعفری)*

تعاونی کسب و کاری است که با هدف تأمین نیازمندی‌های اعضا تشکیل می‌شود و به بهبود وضعیت اقتصادی آن‌ها کمک می‌کند.

در تعاونی تولید، تعدادی تولیدکننده جهت بهره‌مندی از مزایای فعالیت‌های اقتصادی با مقیاس بزرگ، گرد هم می‌آیند و با اقدامات جمعی منفعت خود را بیشینه می‌کنند.

به عنوان مثال: تعاونی کشاورزی را عده‌ای از کشاورزان تشکیل می‌دهند تا برای تهیهٔ بذر مرغوب و تهیهٔ سموم و کود و نیز امکان بازاریابی، تبلیغات جمعی و ایجاد زنجیرهٔ توزیع به آن‌ها کمک کند.

تعاونی‌ها مراحل راه‌اندازی کم و بیش مشابهی با شرکت‌ها دارند؛ اما نحوهٔ ادارهٔ آن‌ها براساس هر نفر، یک رأی است. (یعنی هر کدام از اعضا صرف‌نظر از اینکه چقدر از سرمایهٔ تعاونی را تأمین کرده باشد، یک رأی خواهد داشت.)

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۴، ۱۷ تا ۲۰)

تلاشی درمسیر موفقیت

روان‌شناسی

۳۱- گزینهٔ «۱» *(مهسا عفتی)*

فرضیه‌ها، در صورت پذیرفته شدن به «قانون یا اصل» تبدیل می‌شوند. مجموعه‌ای منسجم از اصول و قوانین علمی دربارهٔ یک موضوع، «نظریه» را تشکیل می‌دهند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحهٔ ۱۲)

۳۲- گزینهٔ «۴» *(مهسا عفتی)*

دانشمندان سعی می‌کنند تا در توصیف موضوعات و پدیده‌های مختلف، دقیق و بی‌طرف باشند. با وجود این، روان‌شناسان همانند سایر دانشمندان علوم تجربی، غالباً تحت تأثیر پیش فرض‌ها، نظریات پذیرفته شده در هر علم، ارزش‌ها و همچنین جهت‌گیری‌های موجود در ذهن خویش هستند که این امر، بر مشاهده و دقت آن‌ها تأثیر جدی می‌گذارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحهٔ ۱۴)

۳۳- گزینهٔ «۳» *(فرهاد علی‌نژاد)*

موضع علوم تجربی دربارهٔ پدیده‌های غیرمحسوس (غیرقابل مشاهده) که منابع دیگر معرفتی (عقل، دریافت درونی و وحی) از آن سخن می‌گویند، باید «نمی‌دانم» باشد، اما اگر منابع دیگر در مورد پدیده‌های محسوس اظهارنظر کنند، علوم تجربی هم می‌توانند دربارهٔ آن مسائل اظهارنظر کنند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحهٔ ۱۶)

۳۴- گزینهٔ «۲» *(حمیدرضا توکلی)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: طراحی پرسشنامه در جهت درمان است و نه در جهت تعریف‌کردن پدیدهٔ مورد بررسی.

گزینهٔ «۲»: با مطالعات گسترده و همه‌جانبه سعی در ارائهٔ یک تعریف روشن از پدیدهٔ ضعف اعصاب دارد.

گزینهٔ «۳»: این تعریف نامفهوم است و ظرفیت ایجاد برداشت‌های مختلف دارد.

گزینهٔ «۴»: این گزینه تقریباً بی‌ربط است و در جهت تعریف عملیاتی و عینی متغیر قرار ندارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۳۵- گزینهٔ «۱» *(مهری جاهدی)*

توصیف و تبیین پدیده‌های روان‌شناختی دشوار است؛ زیرا پدیده‌های روان‌شناختی تحت تأثیر علت‌های زیادی هستند. همچنین برای دستیابی به تعریف عملیاتی می‌بایست متغیر به صورت شفاف و دقیق توصیف و تعریف شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶ و ۱۹)

۳۶- گزینهٔ «۲» *(مهری جاهدی)*

فرضیه‌ها در صورت آزموده شدن با مشاهدات و بررسی‌های تجربی و همچنین همخوانی با یافته‌های مقبول پیشین در علم تجربی پذیرفته می‌شوند. البته باید دقت کرد که معتبر بودن و پذیرفته شدن پاسخ، لزوماً به معنای درست و واقعی بودن آن پاسخ نیست، بلکه ممکن است پاسخی که اکنون مورد قبول واقع شده و علمی است، پس از مدتی کنار گذاشته و نادرست تلقی شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۳۷- گزینهٔ «۳» *(حمیدرضا توکلی)*

در مصاحبه، محقق در ضمن گفت‌وگو و براساس پاسخ‌های دریافت کرده، پرسش بعدی خود را معلوم و مصاحبه را هدایت می‌کند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحهٔ ۲۸)

۳۸- گزینهٔ «۲» *(فرهاد علی‌نژاد)*

فرضیه پاسخ اولیه و سنجیده‌ای است که دانشمندان به مسئله‌های مطرح‌شده در علوم تجربی می‌دهند. بنابراین، اولاً باید به‌صورت خبری بیان شود و ثانیاً حکم و قضاوتی در بیان آن باشد که قابل آزمایش و سنجش باشد. گزاره‌های «الف و د» این ویژگی‌ها را دارند. گزارهٔ «ب» سؤالی است و بنابراین نمی‌تواند فرضیه باشد. گزارهٔ «ج» نیز تمام وضعیت‌های ممکن را در خود دارد و بنابراین، قضاوت مشخصی ندارد و فرضیه نیست.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۳۹- گزینهٔ «۴» *(مهسا عفتی)*

اندیشیدن از فرایندهای ذهنی است که به شکل مستقیم قابل مشاهده نیست. سایر گزینه‌ها به رفتارهای قابل مشاهدهٔ مستقیم انسان اشاره دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحهٔ ۲۰)

۴۰- گزینهٔ «۲» *(مهسا عفتی)*

هر چه از شناخت پایه به سوی شناخت عالی برویم، عمل پردازش پیچیده‌تر می‌شود. پردازشی که علاوه بر ویژگی‌های حسی، تحت تأثیر ویژگی‌های کیفی قرار دارد، «پردازش مفهومی» است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

تلاشی درمسیر موفقیت

اقتصاد

۴۱- گزینهٔ «۱» *(مائده حسنی)*

الف) شرکت‌ها حقوق و تعهدات خاصی دارند و می‌توانند با سایر شرکت‌ها یا افراد وارد قرارداد شوند.

ب) ایجاد یک شرکت به ویژه یک شرکت سهامی، پرهزینه‌ترین نوع کسب و کار است؛ زیرا از پول دیگران برای راه‌اندازی کارش استفاده می‌کند.

ج) اساسنامهٔ شرکت باید بیان کند که شرکت برای چه کسب و کاری تشکیل شده است؛ سهام آن چه میزان است و چگونه تقسیم و فروخته می‌شود؛ چگونه شرکت سرمایهٔ اولیهٔ خود را تأمین می‌کند و چگونه سود و زیان تقسیم می‌شود؛ سهام‌داران چه حقوق و مسئولیت‌هایی در شرکت دارند؛ شرکت چگونه منحل می‌شود و ... .

د) در ساختار سازمانی شرکت بعد از رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل قرار دارد.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۴۲- گزینهٔ «۳» *(مائده حسنی)*

عجله برای ثبت‌نام به‌دلیل تخفیف ۴۰ درصدی دوره ← اثرگذاری حقه‌های فروش بر تصمیم‌گیری‌ها

در نظر گرفتن هزینهٔ شرکت در دوره ← توجه به هزینه‌های در رفته

عدم بررسی ویژگی کلاس‌های تابستانی مدرسه و تداوم حضور در کلاس‌های دوره ← چسبیدن به وضعیت فعلی

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۴۳- گزینهٔ «۳» *(نسرین جعفری)*

الف)

قیمت هر واحد از محصول × تعداد محصولات تولید شده = درآمد

تومان ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰۰ × ۱,۲۰۰,۰۰۰ = درآمد

میلیون تومان ۶,۰۰۰ =

= اجارهٔ سالانهٔ محل انبار و اجارهٔ برخی از ماشین‌آلات

میلیون تومان ۶۹۶ = ۵۸ × ۱۲

تومان ۱,۱۵۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۳,۲۰۰,۰۰۰ × ۳۰ × ۱۲ = دستمزد سالانهٔ کارگران

میلیون تومان ۱,۱۵۲ =

میلیون تومان ۲,۳۸۸ = ۹۰ + ۴۵۰ + ۱,۱۵۲ + ۶۹۶ = هزینه‌های تولید

میلیون تومان ۳,۶۱۲ = ۲,۳۸۸ − ۶,۰۰۰ = هزینه − درآمد = سود

ب)

درصد مالکیت نفر سوم:

$\frac{۱۰}{۱۰۰} = \frac{x}{۱۰۰} \Rightarrow x = ۱۰$ درصد

میلیون تومان $۳۶۱/۲ = \frac{۱۰}{۱۰۰} \times ۳,۶۱۲$ = سهم سرمایه‌گذار سوم از سود شرکت

پ) نفر اول ۲۰ درصد، نفر دوم ۲۰ درصد و نفر سوم ۱۰ درصد کل سهام شرکت را در اختیار و مالکیت دارند، در نتیجه سهم مابقی افراد در مالکیت و سود شرکت برابر است با:

٪۱۰۰ - (٪۱۰ + ٪۲۰ + ٪۲۰) = ٪۵۰

= سهم سایر سرمایه‌گذاران از سود شرکت

میلیون تومان $۱,۸۰۶ = \frac{۵۰}{۱۰۰} \times ۳,۶۱۲$

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۹ و ۱۷)

۴۴- گزینهٔ «۳» *(مائده حسنی)*

کسب و کار محمدرضا یک «کسب و کار شخصی» محسوب می‌شود و همهٔ موارد به‌جز گزینهٔ «۳»، از ویژگی‌های این نوع کسب و کار هستند. تقسیم بار مسئولیت مربوط به شراکت است. دقت کنید که محمدرضا برادرش را استخدام کرده و با او شریک نشده است؛ یعنی مسئولیت تمام تصمیمات سخت، مهم و دشوار به عهدهٔ محمدرضا می‌باشد و او مالک درآمد این خدمات است.

نکته: «مسئولیت نامحدود در مقابل بدهی‌ها و دعاوی» جزء ویژگی‌ها و معایب مشترک کسب و کار شخصی و شراکت است.

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۴۵- گزینهٔ «۳» *(سارا شریفی)*

تعاونی‌ها مراحل راه‌اندازی کم و بیش مشابهی با شرکت‌ها دارند؛ اما نحوهٔ ادارهٔ آن‌ها براساس هر نفر، یک رأی است. (یعنی هر کدام از اعضا صرف نظر از اینکه چقدر از سرمایهٔ تعاونی را تأمین کرده باشد، یک رأی خواهد داشت.)

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحهٔ ۲۰)

۴۶- گزینهٔ «۴» *(سارا شریفی)*

= پول آب، برق، گاز، عوارض شهرداری و مالیات ماهانه

میلیون تومان ۲۷۶ = ۱۲ + ۲۳

میلیون تومان ۱۰ = ۱ × ۱۰ = دستمزد ماهانهٔ کارگران

= مجموع هزینه‌های ماهانه

+ دستمزد کارگران + پول آب، برق، گاز، عوارض شهرداری و مالیات

هزینهٔ فرصت + خرید مواد اولیه

میلیون تومان ۶۷ = ۲ + ۳۲ + ۱۰ + ۲۳ = مجموع هزینه‌های ماهانه

(هزینهٔ فرصت ماهانهٔ احداث کارخانه، حقوق ماهانهٔ یک ادارهٔ دولتی است که فرد از آن صرف‌نظر کرده است.)

میلیون تومان ۶۰ = ۱۲ + ۷۲۰ = درآمد ماهانه

مجموع هزینه‌های ماهانه − درآمد ماهانه = سود یا زیان ماهانه

(ضرر یا زیان) میلیون تومان ۷− = ۶۷ − ۶۰ = سود یا زیان ماهانه

با در نظر گرفتن هزینهٔ فرصت، صاحب بنگاه دچار ضرر و زیان شده است.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۳۴)

۴۷- گزینهٔ «۴» *(مائده حسنی)*

الف) $\frac{۲۲}{۱۰۰}=\frac{x}{۲۰۰,۰۰۰}\Rightarrow x=\frac{۲۲\times ۲۰۰,۰۰۰}{۱۰۰}=۴۴,۰۰۰$:تعداد سهام فرد B

ب)

$\frac{۷۰,۰۰۰}{۲۰۰,۰۰۰}=\frac{y}{۱۰۰}$: درصد مالکیت فرد دیگر در شرکت

$\Rightarrow y=\frac{۷۰,۰۰۰\times ۱۰۰}{۲۰۰,۰۰۰}=۳۵$ درصد

(اقتصاد، انتخاب نوع کسب و کار، صفحهٔ ۱۷)

۴۸- گزینهٔ «۱» *(سارا شریفی)*

در نقطهٔ «ب» می‌توانیم ۱ واحد از کالای A و ۸ واحد از کالای B را خریداری کنیم.

در نقطهٔ «الف» می‌توانیم ۴ واحد کالای A و ۲ واحد از کالای B را خریداری کنیم.

بنابراین برای حرکت از نقطهٔ «ب» به «الف» باید از خرید ۶ واحد کالای B صرف نظر کنیم تا بتوانیم سه واحد بیشتر از کالای A خریداری کنیم.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۲۸)

۴۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

ابتدا باید منفعت خالص هر خودرو را محاسبه کنیم:

هزینه − منافع = منفعت خالص

میلیون تومان ۹۰− = ۲۳۰− ۱۴۰ = منفعت خالص خودروی A

میلیون تومان ۲۵ = ۷۵− ۱۰۰ = منفعت خالص خودروی B

میلیون تومان ۱۵ = ۶۵− ۸۰ = منفعت خالص خودروی C

میلیون تومان ۱۰ = ۵۰− ۶۰ = منفعت خالص خودروی D

با محاسبهٔ منفعت خالص، مشاهده می‌شود که منفعت خالص خودروی B بیشتر از سایر خودروها است و لذا این خودرو ارزش خرید بالاتری دارد.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۳۰)

۵۰- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

ابتدا باید منفعت خالص تعویض لاستیک‌ها را محاسبه کرد. منفعت خالص منفی یعنی ضرر، بنابراین این فرد باید لاستیک شمارهٔ ۱ را تعویض نماید.

هزینه − منفعت = منفعت خالص

هزار تومان ۹۰ = ۲۱۰− ۳۰۰ = منفعت خالص لاستیک شمارهٔ (۱)

هزار تومان ۲۰− = ۲۷۰− ۲۵۰ = منفعت خالص لاستیک شمارهٔ (۲)

هزار تومان ۲۵− = ۱۷۵− ۱۵۰ = منفعت خالص لاستیک شمارهٔ (۳)

هزار تومان ۲۵− = ۱۲۵− ۱۰۰ = منفعت خالص لاستیک شمارهٔ (۴)

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحهٔ ۳۱)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۵۱- گزینهٔ «۳» *(فرهاد فروزان‌کیا)*

موارد «ج» و «هـ» کاملاً درست هستند.

بررسی موارد نادرست:

الف) مجلهٔ بهار نشریه‌ای ادبی محسوب می‌شد.

ب) روزنامه‌های پرشماری در این دوره انتشار یافت که دربردارندهٔ مطالب اجتماعی، سیاسی و گاه علمی بود.

د) در سال‌های اول مشروطه، بیشتر روزنامه‌نگاران مطالب خود را در قالب مقاله در روزنامه‌ها منتشر می‌کردند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۵۲- گزینهٔ «۴» *(فرهاد فروزان‌کیا)*

ایـرج‌میـرزا، اندیشـه‌هـای نوگرایانـه دارد، امـا جایگـاه خـانوادگی (نـوادهٔ فتحعلی‌شاه) و تفکرات شخصی او مانع از آن می‌شود که در ردیـف شـاعران آزادی‌خواه مشروطه قرار بگیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: فرخی یزدی تحت‌تأثیر شاعران گذشته، به‌ویژه مسـعود سـعد و سعدی بود.

گزینهٔ «۲»: فعالیت اصلی ادیب‌الممالک روزنامه‌نگاری بود.

گزینهٔ «۳»: عارف قزوینی: شاعر وطنی و از موسیقی‌دانان عصـر مشـروطیت بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۵۳- گزینهٔ «۴» *(فرهاد فروزان‌کیا)*

متن صورت سؤال از کتاب «کلیله و دمنه» آمده است؛ این کتاب در اواسـط نیمهٔ اول قرن ششم (۵۳۶ هـ . ق) نگارش یافته است و اولین نمونهٔ نثر فنی است؛ البته چون در گزینه‌ها «کلیله و دمنه» فقط در گزینهٔ «۴» آمده است، قطعاً بخش دوم این گزینه هم صحیح است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۵۴- گزینهٔ «۲» *(فرهاد فروزان‌کیا)*

بررسی موارد نادرست:

میرزادهٔ عشقی، شاعر، روزنامه‌نگار، نمایشنامه‌نویس و نظریه‌پرداز دورهٔ مشروطیت بود.

عشقی به‌دلیل بی‌پروایی در بیان اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و وطن‌پرستانه، پیش از آن که به اوج شکوفایی برسد، ترور شد.

«سه تابلوی مریم» یا «ایده‌آل» نمایشنامه‌ای منظوم است.

بیت یادشده در صورت سؤال از عارف قزوینی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

۵۵- گزینهٔ «۱» *(مجتبی فرهادی)*

یک مورد نادرست است:

ج) گروهی از شاعران دورهٔ بازگشت به قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند؛ صبای کاشانی، قاآنی شیرازی و سروش اصفهانی از این گروه‌اند. نشاط اصفهانی از غزل‌سرایان این دوره است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

تلاشی درخشان برای موفقیت

۵۶- گزینهٔ «۳» *(مجتبی فرهادی)*

«گلشن صبا» به تقلید از بوستان سعدی سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۵۷- گزینهٔ «۲» *(یاسین مهریان)*

ترجمهٔ آثار اروپایی در ایران، با تأسیس چاپخانه در زمان «فتحعلی‌شاه» آغاز شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۵۸- گزینهٔ «۴» *(یاسین مهریان)*

مضمون عمدهٔ ادبیات این دوره، سیاسی، اقتصادی، «فرهنگی» و اجتماعی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۱۵)

۵۹- گزینهٔ «۲» *(سیدعلیرضا علویان)*

تاریخ تطور نظم فارسی از آثار ملک‌الشعرای بهار، تاریخ بیداری ایرانیان نوشتهٔ ناظم‌الاسلام کرمانی، رمان شمس و طغرا از محمدباقر میرزاخسروی و منشآت اثر قائم‌مقام فراهانی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۶، ۱۹ و ۲۰)

۶۰- گزینهٔ «۱» *(سیدعلیرضا علویان)*

قائم‌مقام فراهانی با تغییر سبک نگارش، تکلّف را در نثر از بین برد و به‌نوعی احیاکنندهٔ نثر فارسی دانسته می‌شود و سبک نثر وی نیز به گلستان نزدیک است.

علامه علی‌اکبر دهخدا از پیشگامان نثر جدید فارسی است که در رواج نثر ساده و عامیانه در نسل‌های بعدی (هدایت و جمال‌زاده) نقش مؤثری داشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۶۱- گزینهٔ «۳» *(سیرمحمد هاشمی)*

در ابیات مذکور، ویژگی‌های دستور تاریخی، مانند فعل‌های کهن، متمّم با دو حرف اضافه و... دیده نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در این شعر، رودکی بیشتر از واژگان فارسی بهره برده است (چمن، دی، گرگ، پلنگ و...).

گزینهٔ «۲»: کاربرد واژهٔ کهن «ژنگ» که در این شعر به شکل ایهام آورده شده است: ۱- آژنگ (چین و چروک) ۲- کتاب مانی نقّاش.

گزینهٔ «۴»: تمام مصراع‌ها از جملات کوتاه و ساده تشکیل شده است و پیچیدگی معنایی ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۶۲- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

واژهٔ «بوی» در معنای رایحه تکرار شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «دوش» در معنای دیشب و کتف استفاده شده است.

گزینهٔ «۲»: «چین» در معنای کشور چین و پیچ و تاب استفاده شده است.

گزینهٔ «۳»: «مدام» در معنای شراب و همیشه استفاده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

۶۳- گزینهٔ «۴» *(کاظم کاظمی)*

در این بیت تکرار مصوّت‌های کوتاه (ـِ ، ـُ) موجب پدید آمدن واج‌آرایی یا نغمهٔ حروف گشته است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: تکرار صامت‌های «ش، س، ر»

گزینهٔ «۲»: تکرار صامت‌های «خ، ر»

گزینهٔ «۳»: تکرار صامت‌های «ش، س»

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

۶۴- گزینهٔ «۳» *(سیدعلیرضا احمدی)*

در این گزینه شاعر احساس سوگواری و غم و اندوه خود را با لحنی ملایم و آرام بیان کرده است؛ در حالی که در سایر گزینه‌ها از اوزان ضرب‌دار و یا کوتاه استفاده کرده است که مناسب این محتوا نیست.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۶۵- گزینهٔ «۱» *(سیدعلیرضا احمدی)*

بیت گزینهٔ «۱» در وزنی آهنگین، ضربی و شاد سروده شده است، ولی محتوای آن نشانه‌هایی از غم و سختی دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۶۶- گزینهٔ «۳» *(مجتبی فرهادی)*

موارد «ب»، «د» و «هـ» نادرست هستند.

«ب»: شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌روند.

«د»: توجّه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

«هـ»: شاعر برای انتقال عاطفهٔ خود به دیگران از زبان کمک می‌گیرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۶۷- گزینهٔ «۲» *(سیدعلیرضا احمدی)*

وزن بیت «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است و مناسب محتوای غم‌انگیز آن نیست.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۶۸- گزینهٔ «۳» *(محسن اصغری)*

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: افتادگی و فروتنی موجب بلندمرتبگی انسان است.

مفهوم بیت «الف»: توصیه به سنجیده سخن‌گفتن (پرورده‌گویی)

مفهوم بیت «د»: توصیه به خاموشی و سکوت

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۱۹)

۶۹- گزینهٔ «۴» *(محسن اصغری)*

مفهوم مشترک ابیات: بیان زیبایی بی‌نظیر معشوق و ترجیح آن بر حور بهشتی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: بیانگر خودستایی شاعر است.

گزینهٔ «۲»: در توصیف زیبایی بزم بیان شده است.

گزینهٔ «۳»: زاهدان و عابدان در جست‌وجوی بهشت هستند و عارفان طالب دیدار یارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۲۲)

۷۰- گزینهٔ «۲» *(محسن اصغری)*

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ناتوانی آدمی از توصیف خداوند

مفهوم بیت گزینهٔ «۲»: قابل توصیف نبودن غم و اندوه شاعر در فراق معشوق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحهٔ ۱۰)

علوم و فنون ادبی (۲)

۷۱- گزینهٔ «۲» *(سیدعلیرضا علویان)*

جامع‌التواریخ نوشتهٔ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، لمعات اثری از فخرالدین عراقی و تاریخ جهانگشا نیز به قلم عطاملک جوینی می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحهٔ ۱۵)

۷۲- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا علویان)*

آثار ذکرشده در این گزینه همگی منثور می‌باشند. در گزینهٔ «۱»، «لمعات» به نظم و نثر و «جمشید و خورشید» منظوم است. «تحفةالاحرار» در گزینهٔ «۲» و «عشاق‌نامه» در گزینهٔ «۳» نیز به نظم هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۸)

۷۳- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

در قرن هشتم هجری، به‌دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان و بی‌تعصّبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پیش آمد تا صاحبان مذاهب مختلف، عقایدشان را ابراز کنند. هم‌چنین در این قرن، قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز، عرصهٔ وسیعی یافت.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحهٔ ۱۶)

۷۴- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

بـِ دُنـ با	لِ مَحـ مِل	چُ نان زا	ر گر یَم
کـِ آز گر	یـِ آم نا	قِ در گل	نـِ شیـ ند

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۷۵- گزینهٔ «۲» *(سیدعلیرضا احمدی)*

یا رَ بز عر	فان مَـ را پیـ	ما نِـ ای سر	شا ر ده
چشـ مِ بیـ نا	جا نِ آ گا	هُ دِ لی بیـ	دا ر ده

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۷۶- گزینهٔ «۳» *(کاظم کاظمی)*

مشبه: هر که (هر کس) / مشبّه‌به: غنچه / وجه شبه: سر به گریبان بردن / ادات: چون

بررسی سایر ابیات:

گزینهٔ «۱»: در این بیت، سه تشبیه به‌کار رفته است و در هیچ‌کدام، وجه‌شبه به‌کار نرفته است: گوی سعادت / قامت به چوگان / بار درد

گزینهٔ «۲»: در این بیت، یک تشبیه فشردهٔ اضافی یا اضافهٔ تشبیهی (درختِ وصل) به‌کار رفته است و واژهٔ «چو» ادات تشبیه نیست.

گزینهٔ «۴»: در این بیت «خاک پر از خون» به «دریا» تشبیه شده است امّا وجه شبه آن؛ یعنی «فراوان بودن» ذکر نشده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحهٔ ۲۸)

۷۷- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

«دام زلف»، اضافهٔ تشبیهی است.

تشبیه در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ادعای همانندی آب (شراب) و آتش از لحاظ رنگ («آتش‌رنگ» صفت است.)

گزینهٔ «۲»: ادعای همانندی دهان و مو از لحاظ باریکی و کوچکی

گزینهٔ «۳»: فاقد تشبیه

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۰)

۷۸- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

دل به دو چیز تشبیه شده است: نخست شاعر دل را در پای‌بندی به سرو مانند کرده و سپس در داشتن داغ به لاله تشبیه نموده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: روز: مشبّه، شمع: مشبّه‌به / شب: مشبّه، چراغ: مشبّه‌به

گزینهٔ «۲»: جان: مشبّه، آینه: مشبّه‌به / دل: مشبّه و شانه: مشبّه‌به

گزینهٔ «۴»: بلم: مشبّه، قو: مشبّه‌به

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۷ تا ۲۹)

۷۹- گزینهٔ «۳» *(مجتبی فرهادی)*

این بیت دارای دو ادات تشبیه و سایر گزینه‌ها دارای یک ادات تشبیه هستند.

«صفت» در (کمان‌صفت) ادات تشبیه محسوب می‌شود و «چون» در مصراع اول ادات نیست و در مصراع دوم به معنی«مثل و مانند» است و ادات تشبیه محسوب می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «چو» در مصراع اول به معنی«زمانی که» و ادات تشبیه نیست ولی در مصراع دوم به معنی «مثل و مانند» است و ادات تشبیه محسوب می‌شود.

گزینهٔ «۲»: پسوند «وش» ادات تشبیه محسوب می‌شود و «چو» در این بیت معنی «زمانی که» می‌دهد و ادات تشبیه نیست.

گزینهٔ «۴»: چون در مصراع اول ادات تشبیه نیست ولی در مصراع دوم به معنی «مثل و مانند» است و ادات تشبیه محسوب می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحهٔ ۲۸)

۸۰- گزینهٔ «۳» *(سیدعلیرضا احمدی)*

بیت فاقد تشبیه است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: تشبیه‌ها: «لعل شبیه اعجاز مسیح است»، «شکرخنده» و «رویش مانند ید بیضا است.»

گزینهٔ «۲»: تشبیه: «بند زلف»

گزینهٔ «۴»: تشبیه: «ماه‌سیما»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۰)

علوم و فنون ادبی (۱)

۸۱- گزینهٔ «۲» *(فرهاد علی‌نژاد)*

در گزینهٔ «۲»، حرف «را» به صورتی به کار رفته است که در دستور امروزی کاربرد ندارد:

به سر زلف تو گر دست رسد باد صبا را = اگر دستِ باد صبا، به سر زلف تو برسد

در گزینه‌های دیگر، «را» نشانهٔ مفعول است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحهٔ ۱۴)

۸۲- گزینهٔ «۳» *(فرهاد علی‌نژاد)*

قافیه‌ها تنها در انتهای مصراع‌های دوم آمده‌اند و بنابراین، قالب شعر نمی‌تواند مثنوی باشد. این ابیات از قطعه‌ای سرودهٔ پروین اعتصامی انتخاب شده‌اند. در قطعه، قافیه‌ها فقط در انتهای مصراع‌های زوج می‌آیند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: شاعر از روایتی که کرده، پندی بیرون کشیده است که زندگی پستی و بلندی دارد و بنابراین، شعر از نوع ادبیات تعلیمی است.

گزینهٔ «۲»: واژه‌هایی مثل «خمید»، «انده» و «بسی» از واژگان کهن فارسی‌اند.

گزینهٔ «۴»: بیت سوم از زبان «نرگس پژمرده» نقل می‌شود و در بیت چهارم نیز «گل خودروی» پاسخ او را می‌دهد و مناظره‌ای بین این دو شکل می‌گیرد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶)

۸۳- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا علویان)*

در عبارت «قصدِ جانِ منِ زارِ ناتوان» واج‌آرایی مصوت «ـِـ» مشهود است. گزینه‌های «۱» و «۲» واج‌آرایی ندارند. در گزینهٔ «۳» واج‌آرایی صامت «خ» داریم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۲۶ تا ۲۸)

۸۴- گزینهٔ «۱» *(سیدعلیرضا احمدی)*

«خروش از خم چرخ چاچی بخاست»، صدایی را که از قدرت کشیدن کمان توسط رستم ایجاد شده، نشان می‌دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: صامت «ر» ۳ بار و مصوّت «ا» ۵ بار تکرار شده است.

گزینهٔ «۳»: صامت «ب» ۳ بار و مصوّت «ا» ۵ بار تکرار شده است.

گزینهٔ «۴»: صامت «ر» ۴ بار تکرار شده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحهٔ ۲۶)

۸۵- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

تکرار عامدانه و گوش‌نواز واژهٔ «تنگ» منجر به پیدایش آرایهٔ تکرار شده است.

توضیح نکتهٔ درسی:

در آرایهٔ تکرار شرط آن است که دو واژهٔ تکراری هم‌معنا باشند. توجه کنید که در بیت گزینهٔ «۳»، واژهٔ «نگار» ابتدا در معنای استعاری معشوق آمده است و در مصراع دوم در معنای نقش و نگار است. این تفاوت معنایی منجر به آرایهٔ جناس تام می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحهٔ ۲۷)

۸۶- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

وزن و آهنگ کوبنده، کوتاه، ضربی و تند، بار حماسی فضای شعر را غنی‌تر می‌سازد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۸۷- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

در بیت گزینهٔ «۱» سعدی سخن خویش را با وزن و آهنگی درآمیخته که به آسانی حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می‌کند، اما در بیت سایر گزینه‌ها وزن و آهنگی شاد برای محتوایی غمگین به‌کار گرفته شده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۲۲)

۸۸- گزینهٔ «۴» *(یاسین مهدیان)*

در این گزینه، ریتم کوتاه و کوبندهٔ بیت، فضای جنگ را تداعی می‌کند و مضمون بیت نیز، توصیفی از صحنهٔ جنگ است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آهنگ بیت، چندان کوبنده و حماسی نیست و هم‌چنین مضمون بیت، تداعی‌کنندهٔ صحنهٔ دقیقی از جنگ نیست.

گزینهٔ «۲»: آهنگ بیت، حماسی است؛ امّا مضمون بیت، صحنهٔ جنگ با دشمن نیست. (کینه‌اندوزی دشمن قدیمی)

گزینهٔ «۳»: آهنگ بیت، حماسی و کوبنده نیست؛ امّا مضمون بیت، توصیف صحنه‌ای از جنگ است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۲۱)

۸۹- گزینهٔ «۲» *(فرهاد علی‌نژاد)*

در ابیات صورت سؤال و بیت گزینهٔ «۲»، مفهوم اصلی این است که نباید غمگین بود و غمگین‌بودن معنایی ندارد؛ زیرا آنچه بوده، براساس تقدیر بوده است و جز این نمی‌تواند باشد. در بیت گزینهٔ «۲»، «تیمار» به‌معنای درد و رنج و غمخواری است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: شادباشی و بی‌غم‌بودن شاعر

گزینهٔ «۳»: غمگینی و غصه‌خوردن مداوم

گزینهٔ «۴»: تأثیر بسیار زیاد غم عشق در دنیای عاشق

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۳۳)

۹۰- گزینهٔ «۳» *(کنکور خارج از کشور ۹۶)*

بیت «ج»: بی زاد و توشه بودن (نداشتن بال و پری سزاوار چمن)

بیت «الف»: نکوهش آزمندی (نان جو خوردن و قناعت کردن)

بیت «ب»: پرورده‌گویی (لؤلؤ استعاره از سخنان گزیده)

بیت «د»: اوضاع نابسامان (برگشتن ورق و عاجز شدن شیر در برابر مور)

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

جامعه‌شناسی (۳)

۹۱- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

نمودار «الف»، مربوط به دیدگاه سوم رابطهٔ دانش علمی و عمومی است. در این دیدگاه، دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد، دانش علمی به‌دلیل امکان اعتباریابی نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است.

نمودار «ب»، مربوط به دیدگاه اول رابطهٔ دانش علمی و عمومی است. در این دیدگاه، تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست و دانش علمی تنها از راه حس و تجربه به‌دست می‌آید.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحهٔ ۸)

۹۲- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

دانش عمومی پایه و اساس هرگونه دانشی است. ← دیدگاه دوم رابطهٔ دانش علمی و عمومی

شکل‌گیری و پیشرفت دانش علمی ← حل مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی

تأکید بر روش علوم به‌جای موضوع آن ← اوایل قرن بیستم

علمی محسوب نکردن علوم عقلانی و وحیانی ← جهان متجدد

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۵ تا ۸)

۹۳- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

قدرت دفاع از حقایق موجود در دانش عمومی (پیامد) ← مجهز شدن و توانمند شدن به دانش علمی (علت)

تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی(علت) ← رهاکردن بخشی از ذخیرهٔ دانشی به نفع بخشی دیگر (پیامد)

غنی‌تر شدن دانش عمومی(پیامد) ← تلاش‌های علمی به‌تدریج بر ذخیرهٔ دانش علمی جهان اجتماعی می‌افزاید. (علت)

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۹۴- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

برای حل قانون‌گریزی و بحران هویت می‌تواند راه‌حل‌های صحیح پیدا کند ← دانش علمی

در اوایل قرن بیستم، این علوم در صورتی که از روش تجربی استفاده می‌کردند، علم تلقی می‌شدند ← علوم انسانی و اجتماعی

در تعامل با یکدیگر آن را به‌کار می‌بریم ← دانش عمومی

باید به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای علم به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.← علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی)

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۵ تا ۷)

۹۵- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

انجام هر کنش دشوار می‌شد اگر جهان اجتماعی، دانش عمومی لازم برای انجام آن را در اختیار انسان قرار نداده بود.

تفاوت علوم در موضوع آن‌هاست.

دانش عمومی در زندگی اجتماعی مانند هوا برای انسان است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۴ و ۷)

۹۶- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

پیامد تعارض در ذخیرهٔ دانشی جوامع ← عدم حمایت همه‌جانبهٔ دانش عمومی از دانش علمی

پیامد هویت فرهنگی متفاوت جهان اجتماعی ← تعاریف متفاوت دانش علمی است.

پیامد تأثیر متقابل دانش عمومی و دانش علمی و تناسب میان این دو ← هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذفیرهٔ دانشی، صفحه‌های ۵ تا ۸)

۹۷- گزینهٔ «۲» *(فاطمه صفری)*

موضوع فلسفه (متافیزیک) اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد، بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.

دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آن‌ها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند.

علوم انسانی به دلیل اینکه به فهم معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازند علوم تفهمی نامیده می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ تا ۱۵)

۹۸- گزینهٔ «۴» *(فاطمه صفری)*

از منظر کتاب حاضر، علوم انسانی و علوم اجتماعی موضوعات متفاوتی دارند. این نگاه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرو نمی‌کاهد.

علوم اجتماعی ظرفیت داوری دربارهٔ علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند. علوم اجتماعی، دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوهٔ صحیح استفاده کنند. از این رو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۳)

۹۹- گزینهٔ «۴» *(فاطمه صفری)*

تشریح موارد نادرست:

علوم اجتماعی با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند. به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علومی که به این پدیده‌ها می‌پردازند، با آنکه دربارهٔ انسان بحث می‌کنند (مثل علم پزشکی)، جزء علوم انسانی نیستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ تا ۱۳)

۱۰۰- گزینهٔ «۴» *(فاطمه صفری)*

فواید علوم طبیعی:

شناخت طبیعت و قوانین آن، پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت، رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت

فواید علوم انسانی و علوم اجتماعی:

شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن، شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آن‌ها برای پیشگیری، شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری دربارهٔ کنش‌های خوب و بد انسان‌ها، انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانهٔ انسان‌ها، رها کردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید، نشان دادن شیوهٔ صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۵)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۰۱- گزینهٔ «۳» *(فاطمه صفری)*

قرارگرفتن بر سر دو راهی‌ها، ارادی بودن کنش انسانی را نشان می‌دهد.

اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آن‌ها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند. یکی از معانی گره کردن مشت به معنای اعتراض کردن است.

پرسش چرا چنین کاری کردی را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعّالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴ و ۵)

۱۰۲- گزینهٔ «۲» *(فاطمه صفری)*

ترک سیگار: پیامد ارادی کنش وابسته به ارادهٔ کنشگر

آسیب و بیماری برای خود و دیگران: پیامد طبیعی (غیرارادی) کنش

دریافت نمرهٔ قبولی در امتحان: پیامد ارادی کنش وابسته به ارادهٔ دیگری

رعایت ادب: کنش اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۷ و ۸)

۱۰۳- گزینهٔ «۱» *(فاطمه صفری)*

تشریح موارد نادرست:

کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت نمی‌گیرد و افراد در همهٔ موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه ندارند.

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، ارادهٔ انسان نیز ضروری است، زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن نگیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴ و ۷)

۱۰۴- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

تعارف کردن هنگام سوار شدن به اتوبوس ← کنش اجتماعی

شیوه‌های معین احوالپرسی از دیگران ← هنجار اجتماعی

اشتراک میان نظم و ثروت ← ارزش اجتماعی

آداب داشتن ادب ← فرصت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۱۰۵- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

ضروری شدن جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی ← انتقال ارزش‌ها و هنجارها به افراد

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران ← کنش اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۴)

۱۰۶- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

از جنس وسیله و روش ← الف (هنجار اجتماعی)

کنش اجتماعی ← ج (خردترین پدیدهٔ اجتماعی)

ارزش‌های اجتماعی ← ب (عدالت، امنیت و آزادی)

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۳)

۱۰۷- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

- مجموعهٔ پدیده‌های اجتماعی، جهان اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در واقع جهان اجتماعی، معلول پدیده‌های اجتماعی است.
- هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعیِ آن فرو می‌ریزد یا دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.
- خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۷، ۲۰ تا ۲۲)

۱۰۸- گزینهٔ «۴» *(ریحانه امینی)*

- ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود؛ ولی جهان اجتماعی می‌تواند از این هم گسترده‌تر شود. شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد. سنت‌ها و قوانین الهی نیز با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت‌پیشگان می‌گشاید و ستم‌پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.

بنابراین هریک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند؛ یعنی موجودات طبیعی و ماوراءطبیعی به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گسترهٔ جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.

- جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و ارادهٔ انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. به این مجموعه آگاهی‌های مشترک «فرهنگ» می‌گویند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۲۳)

۱۰۹- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

- کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان، ... و نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و ... اعضای جهان اجتماعی هستند. این اعضا، تنها هنگامی که عضویت جهان اجتماعی را پذیرفتند، به آن راه می‌یابند و نقشی را به عهده می‌گیرند و متناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که خود و دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند.

- زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده‌های طبیعی‌اند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند. انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی انجام می‌دهند؛ آن‌ها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، انبارها و سیلوهایی را بنا می‌کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه‌هایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینیِ آب ابداع می‌کنند و کشاورزیِ متناسب با همان آب و هوا را بر می‌گزینند. پس زلزله و خشکسالی (و سایر پدیده‌های طبیعی) به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی انسان پیدا می‌کنند، وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

- جهان واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. مانند جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام و ...

- بعضی اوقات انسان‌ها برای اینکه پدیده‌های ناشناخته را بشناسند، آن‌ها را با پدیده‌هایی آشنا مقایسه می‌کنند. در مقایسهٔ پدیده‌ها با یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها آشکار می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۷، ۱۹ و ۲۲)

۱۱۰- گزینهٔ «۴» *(ریحانه امینی)*

تشریح مورد نادرست:

هرچند سیل پدیده‌ای است که در جهان طبیعی قرار دارد، اما به واسطهٔ ارتباطی که با زندگی انسان دارد، وارد جهان اجتماعی می‌شود. مانند زلزله، خشکسالی و ...

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۹، ۲۱ و ۲۲)

جامعه‌شناسی (۲)

۱۱۱- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: درست ـ درست

گزینهٔ «۲»: درست ـ درست

گزینهٔ «۳»: درست ـ نادرست (ابعاد اخلاقی و روانی، مربوط به بخش فردی جهان انسانی است.)

گزینهٔ «۴»: نادرست (بخش فردی، هویت ذهنی دارد.) ـ نادرست (اندیشیدن، مربوط به بخش ذهنی و فردی است.)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۴ و ۵)

۱۱۲- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

عبارت اول: نظر گروه سوم = ب

عبارت دوم: نظر گروه دوم = ج

عبارت سوم: نظر گروه اول = الف

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۷ و ۸)

۱۱۳- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

تشریح عبارت نادرست:

ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند ولی جهان‌گشایی آن‌ها منجر به جهانی شدن فرهنگ آنان نشد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۰، ۲۱ و ۲۵)

۱۱۴- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

مردم جامعهٔ تغلب، گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به‌دست آورده‌اند برسند و اصولاً چنین سعادتی را نمی‌شناسند و فقط آنان خوشبختند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۱۹)

۱۱۵- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

قدرت نظامی و سیاسی و اشغال یک سرزمین خارجی ← ابزار استعمار قدیم (د)

کودتا و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و سیاسی ← ابزار استعمار نو (ب)

استعمارگران حضور آشکار و مستقیم دارند. ← استعمار قدیم (هـ)

استعمار فرانو ← ابزار (فناوری و رسانه) (ج)

مجریان آشکار و استعمارگران پنهان← وضعیت استعمار نو (الف)

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۵)

۱۱۶- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

اشتراک فرهنگ ژاپن و اینکاها ← نداشتن گسترهٔ جغرافیایی وسیع

اشتراک فرهنگ صهیونیسم و سرمایه‌داری ← تقسیم جهان به دو منطقهٔ مرکزی و پیرامون

در فرهنگ جبرگرا انسان محکوم به سرنوشتی محتوم است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۶)

۱۱۷- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

حقیقت ← معیار و میزان برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است.

محصولات تراریخته ← عقلانیت (سطح دوم)

مسئولیت و تعهد ← زمینهٔ تحقق و گسترش عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم می‌کند.

عدالت ← فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به آن پایبند باشد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۱۸- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

پرسش‌های آزادی: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟

معنای آزادی به همراه سه ارزش جهان‌شمول حقیقت، عدالت و معنویت، مشخص می‌شود.

عدم وجود آزادی موجب فراهم شدن زمینهٔ ظلم بر انسان و عدم رسیدن او به کمال و حقوق انسانی‌اش را فراهم می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۱۵)

۱۱۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام، مقاومت آشکار کرده بود و از آن پس، در پوشش نفاق خزیده بود. این ارزش‌ها در دوران خلافت به‌تدریج اقتدار جامعهٔ اسلامی را در چارچوب مناسبات قبیله‌ای و عشیره‌ای سازمان بخشید.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۲۹)

۱۲۰- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

تفاوت راهبردی استبداد قومی- قبیله‌ای با استبداد استعماری در این است که استبداد قومی به رغم هویت غیراسلامی خود، به‌دلیل این‌که عقبه‌ای خارج از جغرافیای جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با حضور قوی و توانمند فرهنگ اسلامی دوری می‌گزید و تلاش می‌کرد با رعایت ظواهر اسلامی، پوشش دینی خود را حفظ کند، امّا استبداد استعماری به‌دلیل این‌که در سایهٔ قدرت و سلطهٔ جهان غرب عمل می‌کند، در جهت گسترش نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی ندارد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحهٔ ۳۱)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۲۱- گزینهٔ «۲» *(نگین غلامی)*

- عدم فهم زبان اسپانیایی مربوط به ویژگی آگاهانه بودن است. کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود.
- کنش نبودن عقب کشیدن ناخودآگاه دست از جسم داغ، مربوط به ویژگی ارادی بودن کنش است. کنش به ارادهٔ انسان وابسته است و فعالیت‌های غیرارادی کنش محسوب نمی‌شوند.
- دوراهی انتخاب رشتهٔ حقوق و روان‌شناسی مربوط به ویژگی ارادی بودن است. تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴ و ۵)

۱۲۲- گزینهٔ «۲» *(نگین غلامی)*

گزینهٔ «۱»: درست ـ درست

گزینهٔ «۲»: نادرست (پیامدهایی از کنش که به ارادهٔ انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا نشود). ـ درست

گزینهٔ «۳»: نادرست (پیامدهای غیرارادی نتیجهٔ طبیعی کنش‌اند.) ـ نادرست (کنش انسان، همواره وابسته به اراده و آگاهی است.)

گزینهٔ «۴»: درست ـ نادرست (پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» مربوط به هدف‌داری کنش است.)

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۴، ۵ و ۷)

۱۲۳- گزینهٔ «۱» *(نگین غلامی)*

برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، ارادهٔ انسان نیز ضروری است، زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد، ولی تصمیم به انجام آن نگیرد.

فرد با وجود آگاهی از مضرات سیگار، تصمیم به ترک آن نمی‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۴)

۱۲۴- گزینهٔ «۳» *(ارغوان عبدالملکی)*

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی مانند حقیقت، عدالت، امنیت، آزادی و سعادت محقق نمی‌شوند. مثلاً فردی که به تنهایی در محیطی آواز می‌خواند، در حال انجام یک کنش فردی است. حال اگر فرد دیگری وارد آن محیط شود، آواز خواندن وی یک کنش اجتماعی می‌شود و پای هنجارها و ارزش‌ها را به میان می‌آورد. فرد می‌تواند برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش)، آواز خواندن خود را قطع کند (پیدایش یک هنجار).

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۲۵- گزینهٔ «۴» *(ارغوان عبدالملکی)*

کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحهٔ ۱۱)

۱۲۶- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

عبارت اول: وقتی فردی در ذهن خود چیزی را تخیل و تجسم کند نشان‌دهندهٔ کنش فردی و درونی فرد است.

عبارت دوم: وقتی فردی به‌تنهایی مشغول انجام یک کنش ارادی است، پس کنش فردی و بیرونی انجام می‌دهد.

عبارت سوم: کنشی که ناظر به اراده و اعمال دیگران انجام می‌شود، کنش اجتماعی است که در این مثال بیرونی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۰ و ۱۱)

۱۲۷- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

مصراع مورد نظر، جهان اجتماعی را به بدن موجودات زنده (ارگانیسم) تشبیه می‌کند.

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل کند، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۷ و ۲۰)

۱۲۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

جهان اجتماعی به مجموعه پدیده‌هایی که در محدودهٔ زندگی اجتماعی انسان‌ها قرار دارند، دلالت می‌کند و معیار شناسایی پدیده‌های جهان اجتماعی، ارتباط آن‌ها با زندگی اجتماعی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۱۷ و ۲۳)

۱۲۹- گزینهٔ «۱» *(ارغوان عبدالملکی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: شناخت جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد و از این جهت به جهان اجتماعی وارد می‌شود.

گزینهٔ «۳»: هر چیزی که با زندگی اجتماعی انسان ارتباط داشته باشد، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرد. براساس این قاعده، کنش‌های اجتماعی انسان‌ها و پیامدهای آن‌ها به جهان اجتماعی تعلق می‌گیرند.

گزینهٔ «۴»: پدیده‌هایی که محصول کنش اجتماعی انسان نیستند از جهت ارتباطی که با جهان اجتماعی پیدا می‌کنند، می‌توانند به آن وارد شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

۱۳۰- گزینهٔ «۲» *(ارغوان عبدالملکی)*

- شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.
- رفتار شتاب‌زده و نابخردانهٔ انسان، طبیعت و محیط زیست را آلوده می‌کند و این آلودگی فرصت‌های زندگی اجتماعی را محدود می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۳۱- گزینهٔ «۱» *(علی محسن‌زاده)*

«یَتَفَکَّرونَ»: می‌اندیشند، اندیشه می‌کنند، فکر می‌کنند (رد گزینهٔ ۲)/ «السَّماواتِ»: آسمان‌ها (رد گزینهٔ ۲) / «ما خَلَقتَ»: نیافریدی، خلق نکرده‌ای (رد گزینهٔ ۴)/ «ما خَلَقتَ هذا باطِلاً»: این را بیهوده نیافریدی، این را باطل خلق نکرده‌ای (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۳۲- گزینهٔ «۲» *(بهروز حیدربکی)*

«الشمسُ الّتی»: خورشیدی که/ «لها جذوة»: اخگری دارد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)/ «ربّ»: پروردگاری (رد گزینهٔ ۴)/ «بالغة»: کامل (رد گزینهٔ ۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: خورشید که (خورشیدی که)، پارهٔ آتشش فروزان می‌باشد (پارهٔ آتشی فروزان دارد؛ «لِـ» اینجا معنای مالکیت می‌دهد.)، دارد (دارای)

گزینهٔ «۳»: فراوان (کامل)، «همان» اضافی است، نورانی (فروزان)، ترتیب عبارت‌ها در ترجمه رعایت نشده است.

گزینهٔ «۴»: پروردگار که (پروردگاری که)، خورشید که (خورشیدی که)، اخگرش سوزاننده است (اخگری فروزان دارد)

(ترجمه)

۱۳۳- گزینهٔ «۴» *(کاظم غلامی)*

«إنّ الّذی»: بی‌تردید کسی‌که (رد گزینه‌های ۲و۳)/ «تَنهمرُ»: ریزان می‌شوند (دقّت کنید فعل لازم است، نه متعدّی) (رد گزینه‌های ۱و۳)/ «یَشقّ»: می‌شکافد (رد گزینهٔ ۲)/ «لا یترکُنا»: ما را رها نمی‌کند (رد گزینهٔ ۱)/ «القوم الظّالمین»: قوم ستمگر (دقت کنید هر دو اسم همراه با «ال» آمده‌اند، پس ترکیب وصفی است و صفت نیز در فارسی، باید به صورت مفرد ترجمه شود.) (رد گزینه‌های ۱و۳)

(ترجمه)

۱۳۴- گزینهٔ «۳» *(ولی برهی- ابهر)*

«کان ... یَتمنّونَ»: (معادل ماضی استمراری فارسی) آرزو می‌کردند (رد گزینهٔ ۲) / «لیتَ ... یکون»: کاش باشد (رد گزینه‌های ۱ و۴) / «نزول المَطر»: بارش باران (رد گزینهٔ ۴)/ «نَزَلَ»: فرود آمد، بارید (رد گزینهٔ ۴)

(ترجمه)

۱۳۵- گزینهٔ «۲» *(ولی برهی- ابهر)*

«ذلک الشابّ»: آن جوان (رد گزینهٔ ۳) / «أنّ»: که (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «العالم الأکبر»: (ترکیب وصفی) جهان بزرگتر، دنیای بزرگتر (رد گزینهٔ ۱) / «جرماً صغیراً»: (موصوف و صفت نکره) پیکری کوچک، پیکر کوچکی، یک پیکر کوچک (رد گزینهٔ ۴) / «کان یَزعمُ»: (معادل ماضی استمراری فارسی) گمان می‌کرد، می‌پنداشت (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۳۶- گزینهٔ «۲» *(کاظم غلامی)*

«زبان‌های خود» نادرست است. («ألسنة» ضمیر اضافی با خود ندارد.) همچنین «نگه دارند» نیز نادرست است. («یمتلکون» یعنی «دارند»). ترجمهٔ صحیح عبارت: خوشا به حال کسانی که زبان‌هایی خالی از دروغ دارند!

(ترجمه)

۱۳۷- گزینهٔ «۲» *(ولی برهی- ابهر)*

در گزینهٔ «۲» خطایی وجود ندارد، «عَلَّمت» در این گزینه، فعل ماضی ساده است که می‌توان ماضی ساده را بنا به شرایط جمله، ماضی نقلی هم ترجمه کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «داء» به معنای «بیماری» است و نباید آن را با «دواء» اشتباه گرفت.

گزینهٔ «۳»: فعل نهی به صورت مخاطب است و نمی‌توان در ترجمهٔ آن از (نباید) استفاده کرد. لفظ «نباید» برای نهی در صیغه‌های غایب و متکلّم به کار می‌رود.

گزینهٔ «۴»: «إنّما» به معنای «فقط، تنها» است، در این گزینه «حیاء» نیز به معنای (شرم) اشتباه ترجمه شده است.

(ترجمه)

۱۳۸- گزینهٔ «۱» *(سیره میا مؤمنی)*

«آیا نمی‌دانی»: أ لا تعلمُ/ «که تو»: أنّکَ (مذکّر)، أنّکِ (مؤنّث) (رد گزینهٔ ۲)/ «گوشت»: اللّحم/ «استخوان»: العَظم/ «پی»: العَصب/ «آفریده شده‌ای»: (فعل ماضی مجهول) قد خُلقتَ (مذکّر)، قد خُلقتِ (مؤنّث) (رد سایر گزینه‌ها، در گزینهٔ ۲، فعل جمع آمده که نادرست است، در گزینه‌های ۳ و ۴ هم از نظر صیغه (شخص)، بین فعل و ضمیر متّصل «ک» تناسب و هماهنگی وجود ندارد.)

(ترجمه)

۱۳۹- گزینهٔ «۳» *(ولی برهی- ابهر)*

با توجه به معنای عبارت (سخن، چون دارو است؛ اندکش سود می‌رساند و بسیارش کشنده است)، گزینهٔ «۳» از بقیه گزینه‌ها دور است. در همهٔ گزینه‌ها دربارهٔ «ارزش کم سخن گفتن» صحبت شده است اما بیت گزینهٔ «۳» مفهوم متفاوتی دارد.

(مفهوم)

۱۴۰- گزینهٔ «۲» *(سیره میا مؤمنی)*

«مؤنّثه: الأوّلة» نادرست است، «الأوّل» عدد ترتیبی مذکر است، شکل مؤنّث آن به صورت «الأولی» می‌باشد.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۴۱- گزینهٔ «۴» *(علی محسن‌زاده)*

واژهٔ «الأرض» مفرد مؤنث است که در این سؤال، به اشتباه به شکل «مفرد مذکّر» به آن اشاره شده است.

(توجه داشته باشید که ضمیر «ها» در «إنّها» به «الأرض» بر می‌گردد که این ضمیر نیز «ضمیر متّصل مفرد مؤنث» محسوب می‌شود و خود گویای مؤنث بودن واژهٔ «الأرض» است.)

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۴۲- گزینهٔ «۲» *(سیره میا مؤمنی)*

«مفرده «الرذل»» نادرست است. مفرد «أراذل»، کلمهٔ «أرذَل» (بر وزن: أفعَل) است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۴۳- گزینهٔ «۴» *(علی محسن‌زاده)*

در گزینهٔ «۴»، فعل‌های «أخبَرَت» و «شاهَدت» هر دو به «الطّالبة» برمی‌گردند و از صیغهٔ مفرد مؤنّث غائب هستند، پس شکل درست آن‌ها «أخبَرَتْ» و «شاهَدتْ» است.

(ضبط حرکات)

تلاشی درمسیر موفقیت

۱۴۴- گزینهٔ «۱» *(کاظم غلامی)*

«ألوان» جمع است و «ال» ندارد، بنابراین باید «هذه» را به صورت جمع ترجمه کنیم: «این‌ها رنگ‌های زیبایی هستند که...». اما در سایر گزینه‌ها چون بعد از اسم اشاره، اسمِ «ال» دار آمده است، باید اسم اشاره‌ها را به صورت مفرد ترجمه کنیم:

گزینهٔ «۲»: این اتاق‌ها بسته شده ...

گزینهٔ «۳»: این بازیکنان همگی همیاری می‌کنند ...

گزینهٔ «۴»: این شهروندان به وظایف خود عمل می‌کنند ...

(قواعد اسم)

۱۴۵- گزینهٔ «۳» *(بهروز حیدربکی)*

«المیدان» مفرد است و اسم اشارهٔ مفرد برای آن می‌آید (رد گزینه‌های ۱ و ۲) ضمناً در جای خالی دوم نیاز به عدد اصلی داریم؛ چون بحث شمارش مطرح است، نه ترتیب و جایگاه (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

ترجمهٔ عبارت: این میدان، در نزدیکی‌اش چهار خیابان وجود دارد!

(قواعد اسم)

۱۴۶- گزینهٔ «۳» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

در گزینهٔ «۳»، فعل «یتکلّم» مفرد مذکّر غائب است که به «کلّ واحد منهم» برمی‌گردد و کاملاً صحیح است. (ترجمهٔ عبارت: دوستانی دارم که هر یک از آن‌ها، به‌خوبی به زبان عربی صحبت می‌کند!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «لا تُضیّعن» فعل جمع مؤنّث مخاطب است، درحالی که با توجه به «اولئک النّساء» فعل غائب موردنیاز است: لا یُضیِّعنَ

گزینهٔ «۲»: «لا تُشجّع» فعل نهی از صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب است، درحالی که با توجه به «یا بنتی» فعل مؤنّث موردنیاز است: لا تُشجّعی

گزینهٔ «۴»: «أمطرت» فعل ماضی است، اما با توجه به قید زمانی «غداً» (فردا) فعل آینده باید بیاید: سَتُمطرُ (سَوف تُمطرُ)

(قواعد فعل)

۱۴۷- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

صورت سؤال، موصوفی را می‌خواهد که جمع سالم باشد. در گزینهٔ «۴»، «الکائنات» جمع مؤنّث سالم و موصوف است، «الحیّة» نیز صفت آن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در این گزینه موصوف و صفت نداریم. (ترجمهٔ عبارت: هموطنان در مورد امور کشور، مسؤول هستند!)

گزینهٔ «۲»: در این گزینه موصوف و صفت نداریم. (ترجمهٔ عبارت: نگهداری از گیاهان، بر کشاورزان لازم است!)

گزینهٔ «۳»: «الدّلافین» جمع مکسّر «الدلفین» است و نباید آن را به اشتباه جمع سالم در نظر گرفت.

(قواعد اسم)

۱۴۸- گزینهٔ «۴» *(علی محسن‌زاده)*

ترجمهٔ گزینهٔ «۴»: هشتاد منهای سی و پنج مساوی است با پنجاه و چهار! (نادرست است!)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هزار تقسیم بر بیست مساوی است با پنجاه!

گزینهٔ «۲»: پانزده، یک پنجم هفتاد و پنج است!

گزینهٔ «۳»: نصف هفتاد و هشت مساوی است با سی و نه!

(عدر)

۱۴۹- گزینهٔ «۳» *(ولی برهی- ابهر)*

با توجه به مسئلهٔ طرح شده، گزینهٔ «۳» (۱۹ دانش آموز) درست است. ترجمهٔ عبارت: من در کلاس ۲۷ همکلاسی دارم. ۵ دانش‌آموز روز چهارشنبه به مدرسه نیامده بودند زیرا مبتلا به کرونا بودند، در خلال زنگ، معلّم به ۴ دانش‌آموز اجازه داد که کلاس را برای رفتن به کتابخانه ترک کنند، پس تعداد ما در کلاس..... بود. (دقت شود خود گوینده یک نفر محسوب می‌شود).

(عدر)

۱۵۰- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، تصحیح عدد و معدود هر دو با هم لازم باشد؛ به عبارت دیگر، هم عدد نادرست آمده باشد و هم معدود. در گزینهٔ «۴»، عدد به‌صورت «ثلاثة و عشرون» صحیح است، زیرا در عربی برعکس فارسی، ابتدا یکان و سپس دهگان می‌آید. همچنین معدود باید به‌صورت مفرد (نوعاً) ذکر شود، زیرا در عربی معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ همواره مفرد می‌آید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «ثلاث صدیقات» صحیح است.

گزینهٔ «۲»: «سبعة فساتین» صحیح است. زیرا معدود اعداد ۳ تا ۱۰ به‌صورت جمع می‌آید، همچنین «سروالاً واحداً» صحیح است، زیرا عدد یک اصلی بعد از معدود خود می‌آید.

گزینهٔ «۳»: «ثلاثون فستاناً» صحیح است، زیرا در عربی معدود اعداد ۱۱ تا ۹۹ همواره مفرد می‌آید.

(عدر)

عربی زبان قرآن (۲)

۱۵۱- گزینهٔ «۴» *(نوید امساکی)*

«آمنّا»: ایمان آوردیم (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «فَـ»: پس / «اغْفر»: مورد مغفرت قرار بده (رد گزینهٔ ۳) / «لَنا»: ما را / «ارحَمْنا»: به ما رحم کن / «أنتَ»: تو / «خَیرُ»: بهترین / «الرّاحمینَ»: رحم‌کنندگان (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

در گزینه‌های ۱ و ۲، «برای ما» در قسمت دوم عبارت، اضافی است.

(ترجمه)

۱۵۲- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«من الجَمیل ... أن ...»: زیباست که (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «جدّاً»: بسیار/ «أن نکون مُشتاقین»: مشتاق باشیم (رد گزینهٔ ۴)/ «الأعمال الصّالحة»: کارهای شایسته/ «و إن»: اگرچه، حتّی اگر (رد گزینهٔ ۴)/ «لا نستطیع»: (در این‌جا) نتوانیم (رد گزینهٔ ۴)/ «أن نقوم بِها»: به آن‌ها بپردازیم، به آن‌ها اقدام کنیم (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

۱۵۳- گزینهٔ «۳» *(نوید امساکی)*

«علینا الاستفادة»: ما باید استفاده کنیم (رد گزینهٔ ۱) / «الفُرص الّتی»: فرصت‌هایی که (رد گزینهٔ ۱) / «تدعونا»: ما را دعوت می‌کند (رد گزینهٔ ۱) / «أحسَن الحال»: بهترین حال (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «تبعّدنا»: دورمان می‌کند (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

۱۵۴- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

ترجمهٔ درست عبارت گزینهٔ «۳»: «تغذیهٔ خوب و توجّه کردن بـه آن پنـدی است که پزشکان بر آن تأکید می‌کنند.»

(ترجمه)

۱۵۵- گزینهٔ «۴» *(نوید امساکی)*

«خواهر کوچکترم»: أُختی الصُّغری (رد گزینـه‌هـای ۲ و ۳) / «آخـر هفتـه»: نهایة الأسبوع (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «خواهیم رفت»: سنذهب، سوف نذهب (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۱۵۶- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

عبارت «خودپسندی عمل پسندیده‌ای نزد مردم است!» نادرست است.

ترجمهٔ گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: باید صداهایمان را بالای صدای کسی که با او سخن مـی‌گـوییم، نبریم!

گزینهٔ «۲»: ما باید بر ادای نماز در وقتش محافظت کنیم!

گزینهٔ «۴»: حکمت در قلب همهٔ مردم ماندگار نمی‌شود!

(مفهوم)

۱۵۷- گزینهٔ «۴» *(سیدمحمدعلی مرتضوی)*

«أرخص» اسم تفضیل بر وزن «أفعَل» است، پس «أرخَص» صحیح است.

(ضبط حرکات)

۱۵۸- گزینهٔ «۴» *(نوید امساکی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: الأراذل (فرومایگان) ≠ الأفاضل (شایستگان)

گزینهٔ «۲»: الأمانة (امانتداری) ≠ الخیانة (خیانت)

گزینهٔ «۳»: متواضع (فروتن) ≠ فَخور (فخرفروش)

(واژگان)

۱۵۹- گزینهٔ «۱» *(نوید امساکی)*

در همهٔ گزینه‌ها «خیر» به معنای «بهترین» و اسم تفضیل است در حالی که در گزینهٔ «۱»، «خیر» به معنای «خوبی» می‌باشد؛ ترجمهٔ عبارت گزینـهٔ «۱»: از پروردگارم خوبی دنیا و آخرت را درخواست کردم!

(قواعد اسم)

۱۶۰- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، وزن «مَفعل» بر مکان دلالـت نکند، یعنی اسم مکـان نباشـد. در گزینـهٔ «۱»، «مَبـدأ» بـه معنـای «زمـان شروع» است و دلالت بـر زمـان دارد، نـه مکـان. (ترجمـهٔ عبـارت: برخـی از دانشمندان قدیم، در تعیین زمان شروع روز اختلاف داشتند!)

در سایر گزینه‌ها به‌ترتیب: «مَطبَع (چاپخانه)، مَطلع (خاستگاه، محـل شـروع کلام) و مَخرج (خروجی)» همگی اسم مکان هستند و دلالت بر مکان دارند.

(قواعد اسم)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۶۱- گزینهٔ «۳» *(مرتضی کاظم شیرودی)*

«یا أیُّها الّذینَ»: ای کسانی که/ «آمَنوا»: ایمان آورده‌اید (رد گزینـه‌هـای ۱ و ۲)/ «لِـمَ»: (= لِمـاذا) چـرا، بـرای چـه (رد گزینـه‌هـای ۱ و ۲)/ «تَقولـونَ»: می‌گویید (رد گزینهٔ ۱)/ «ما لا تَفعَلونَ»: چیـزی کـه انجـام نمـی‌دهیـد (رد گزینهٔ ۴)

(ترجمه)

۱۶۲- گزینهٔ «۱» *(سیره میا مؤمنی)*

«السادسة و التّسعین»: (عدد ترتیبی) نود و ششـم (رد گزینـه‌هـای ۲ و ۳)/ «خمسة أخطاء»: پنج اشتباه (رد گزینهٔ ۴) / «علیک تصحیح الأخطاء»: بایـد خطاها را اصلاح کنی (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۶۳- گزینهٔ «۴» *(ولی برجی- ابهر)*

«لیس واجب الدولة فَقط»: فقط وظیفهٔ دولت نیست (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «فی المدینة»: (متعلّق به جملهٔ اول است) در شهر (رد گزینهٔ ۳) / «الدولة»: (مفرد) دولـت (رد گزینـهٔ ۳) / «واجبـات الدولـة و المُـواطنین المشـترکة»: وظایف مشترک دولت و شهروندان (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۶۴- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: «ینتفعُ» فعل مضارع و به معنای «بهـره مـی‌بـرد» اسـت؛ پـس «بهره‌مند است» نادرست می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: «الرّصیفِ» یعنی «پیاده‌رو»؛ پس «خیابان» نادرست است.

گزینهٔ «۴»: «کالنّارِ» یعنی «مثل آتش»؛ پس «آتشینی» نادرست است.

(ترجمه)

۱۶۵- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

«آیا تا به حال به ایران مسافرت کرده‌اید»: هل سافرتُم إلی إیران حتّـی الآن، هل سافرتُما إلی إیران حتّی الآن (نمی‌تواند به صیغهٔ مفرد بیاید؛ باید یا جمع باشد و یا مثنّی) (رد گزینه‌های ۳ و ۴)/ «ولی دوست داریـم»: لکنّنـا نُحِـبُّ (باید به صیغهٔ اول شخص جمع باشـد، نـه مفـرد) (رد گزینـه‌هـای ۱ و ۴) / «مسافرت کنیم»: أن نسافر (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۶۶- گزینهٔ «۲» *(بهروز حیدربکی)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جایگزین، جانشین: آنچه که اصل باشد. (نادرست)

گزینهٔ «۲»: درنگ کرد، ماند: در جایی سکونت کرد و مدتی آنجا اقامت کرد. (صحیح)

گزینهٔ «۳»: (آتش را) خاموش کرد: آن را با نیرو برافروخت. (نادرست)

گزینهٔ «۴»: مهمان‌نواز: کسی که به مهمانی می‌رود. (نادرست)

(واژگان)

۱۶۷- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

هو ما ظَلَمَنا أبداً (او هرگز به ما ظلم نکرد) ← مفرد مذکر غایب (سوم شخص)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: هِيَ كانَتْ تَرجِعُ ← مفرد مؤنث غایب

گزینهٔ «۳»: أنْتِ سَتَقْبَلينَ ← مفرد مؤنث مخاطب

گزینهٔ «۴»: أنا سَأشْتَغِلُ ← اول شخص مفرد (متکلّم وحده)

(قواعد فعل)

۱۶۸- گزینهٔ «۴» *(نوید امساکی)*

فعل امر، فعلی است که بر طلب و درخواست دلالت می‌کند. در گزینهٔ «۴» فعل «اکتبوا: بنویسید» فعل امر است.

(قواعد فعل)

۱۶۹- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

در گزینهٔ «۱»، «السادسة» و «التاسع»، در گزینهٔ «۲»، «السّابع» و «السّادسة»، و در گزینهٔ «۳»، «الخامس» و «الرّابع» عدد ترتیبی هستند، اما در گزینهٔ «۴»، تنها «الثالث» عدد ترتیبی است.

(عدد)

۱۷۰- گزینهٔ «۱» *(سیده مهیا مؤمنی)*

«هناک خمسهٔ کُتُبٍ ...» : پنج کتاب وجود دارد ... .

با توجه به مفهوم عبارت، به عدد شمارشی نیاز داریم، نه عدد ترتیبی.

(عدد)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۷۱- گزینهٔ «۳» *(علی‌محمد کریمی)*

تاریخ‌نگاران سنتی، بیشتر به ثبت وقایع شاهان و امور آن‌ها همت داشتند. آن‌ها آثار خود را غالباً با خصوصیات ادبی تألیف می‌کردند و در این میان گاه با زبان تملّق و مدح شاهان سخن گفته و بیش از آنکه مورخ حقیقت باشند، کاتب دربار بودند. سبک نگارش نیز در بسیاری موارد، سخت است و تحلیل و تفسیر، کمتر در این آثار به چشم می‌خورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۲)

۱۷۲- گزینهٔ «۲» *(ملیحه گرجی)*

گسترش مدارس جدید، تأسیس دانشگاه و رواج آموزش تاریخ به عنوان یک رشتهٔ علمی در دورهٔ معاصر، به ترویج و توسعهٔ روش پژوهش علمی تاریخ در ایران کمک شایانی کرد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۶)

۱۷۳- گزینهٔ «۱» *(علی‌محمد کریمی)*

ناظم‌الاسلام کرمانی نویسندهٔ کتاب تاریخ بیداری ایرانیان ضمن توجه به مردم، نقش طبقات اجتماعی مختلف را در انقلاب مشروطیت نشان داده است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه ۶)

۱۷۴- گزینهٔ «۳» *(علی‌محمد کریمی)*

اولین روزنامهٔ ایران را میرزا صالح شیرازی، یکی از دانشجویان اعزامی به انگلستان با عنوان کاغذ اخبار در تهران منتشر کرد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحه ۱۲)

۱۷۵- گزینهٔ «۲» *(علی‌محمد کریمی)*

خاطرات، حاوی اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و شرح‌حال رجال دورهٔ معاصر هستند که به‌ندرت در سایر منابع یافت می‌شود.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۹)

۱۷۶- گزینهٔ «۲» *(فاطمه سفایی)*

برخی تغییرات محیط پیرامون، مانند رویدادهای سیاسی یا تغییرات آب‌وهوایی ممکن است موجب از دست رفتن موقعیت و اعتبار یک شهر یا انتقال آن به مکانی دیگر شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۳ و ۴)

۱۷۷- گزینهٔ «۱» *(محمدعلی خطیبی بایگی)*

مهم‌ترین ویژگی‌های روستاها در مقایسه با شهرها عبارت‌اند از:

- فعالیت جمعیت در بخش کشاورزی (زراعت، دامداری، جنگل‌داری، صید و شکار و ...)؛
- جمعیت کمتر و تراکم کمتر جمعیتی؛
- فضاهای باز و چشم‌اندازهای طبیعی بیشتر و گسترده‌تر؛
- خدمات و تسهیلات کمتر و محدودتر؛
- روابط خویشاوندی و وابستگی اجتماعی بیشتر (در شهرها: نوگرایی بیشتر و تغییرات اجتماعی سریع‌تر).

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحهٔ ۶)

۱۷۸- گزینهٔ «۱» *(فاطمه سفایی)*

سلسله‌مراتب سکونتگاه‌ها یعنی رتبه‌بندی آن‌ها برحسب اهمیت؛ برای این منظور، سکونتگاه‌ها را بر اساس میزان جمعیت و عملکرد (خدماتی که ارائه می‌کنند) طبقه‌بندی می‌کنند. سکونتگاه‌های کوچک یا کم‌جمعیت معمولاً خدمات محدودی به ساکنان ارائه می‌دهند؛ اما در سکونتگاه‌های بزرگ‌تر، تعداد و تنوع خدمات بسیار زیاد است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحهٔ ۷)

۱۷۹- گزینهٔ «۴» *(فاطمه سفایی)*

آستانهٔ جمعیتی نفوذ، یعنی حداقل جمعیت یک منطقه که تقاضای کالا، خدمات یا عملکردی از یک سکونتگاه دارند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحهٔ ۹)

۱۸۰- گزینهٔ «۲» *(محمدعلی خطیبی بایگی)*

سطح شهرنشینی در آسیا و آفریقا در مقایسه با نواحی توسعه‌یافتهٔ صنعتی آمریکای شمالی، اروپا و استرالیا بسیار پایین‌تر است؛ اما سرعت گسترش شهرنشینی در آسیا و آفریقا بیشتر از سایر نواحی جهان است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۰ و ۱۱)

تاریخ و جغرافیا (۱)

۱۸۱- گزینهٔ «۳» *(علیرضا رضایی)*

واژهٔ تاریخ در ترکیب «تاریخ جهان باستان» به معنای مجموعهٔ حوادثی است که در زمان گذشته واقع شده است.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۲)

۱۸۲- گزینهٔ «۲» *(علی‌محمد کریمی)*

برخی پژوهشگران معتقدند که رواج و رونق ادبیات و فلسفه، تأثیر مهمی بر شکوفایی و گسترش علم تاریخ در یونان باستان داشته است.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۴)

۱۸۳- گزینهٔ «۲» *(علی‌محمد کریمی)*

در گاه‌شماری خورشیدی- قمری، از آن‌جایی که سال قمری ۳۵۴ شبانه‌روز و سال خورشیدی ۳۶۵ و یک چهارم شبانه‌روز است، برای رفع این اختلاف، هر سه سال، یک ماه به سال می‌افزودند.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۱۳)

۱۸۴- گزینهٔ «۴» *(علیرضا رضایی)*

باستان‌شناسان پس از حفاری و خاک‌برداری، هنگامی که به یک بنای تاریخی برخورد کنند، نخست نقشهٔ آن بنا را مشخص می‌نمایند.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۲۵)

۱۸۵- گزینهٔ «۴» *(میلاد هوشیار)*

امروزه باستان‌شناسان برای تاریخ‌گذاری و تعیین سن آثار باستانی، از روش‌های علمی پیشرفته‌ای مانند روش رادیوکربن و شیوهٔ پیشرفته‌تری موسوم به «پتاسیم- آرگون» استفاده می‌کنند.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۲۶)

۱۸۶- گزینهٔ «۲» *(فاطمه سقایی)*

انسان برای رفع نیازهای خود به تغییر محیط دست می‌زند و در نتیجه محیط طبیعی به محیط جغرافیایی تبدیل می‌شود.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحهٔ ۴)

۱۸۷- گزینهٔ «۲» *(فاطمه سقایی)*

از آن‌جا که جغرافیا روابط متقابل انسان را با محیط، مطالعه و بررسی می‌کند، بنابراین شناخت توان‌ها و ظرفیت‌های محیطی بدون دانش جغرافیا ممکن نیست.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحهٔ ۵)

۱۸۸- گزینهٔ «۳» *(فاطمه سقایی)*

چگونگی شکل‌گیری محیط‌های جغرافیایی، که حاصل روابط متقابل انسان و محیط است، سبب می‌شود جغرافی‌دان با دید ترکیبی یا کل‌نگری، موضوعات را مطالعه و بررسی کند.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحهٔ ۷)

۱۸۹- گزینهٔ «۳» *(فاطمه سقایی)*

سؤال «چه‌چیز»، بر ماهیت هر پدیده یا مسئله دلالت دارد؛ «چه‌چیزی رخ داده است؟»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: سؤال «کجا» که با رکن اساسی جغرافیا یعنی مکان وقوع پدیده‌ها سر و کار دارد.

گزینهٔ «۲»: سؤال «چرا» که به علت وقوع پدیده‌ها می‌پردازد.

گزینهٔ «۴»: سؤال «چه‌موقع» به روند زمانی موضوعات می‌پردازد.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحهٔ ۸)

۱۹۰- گزینهٔ «۳» *(فاطمه سقایی)*

گام دوم در یک پژوهش جغرافیایی، تدوین فرضیه است. فرضیه‌سازی یکی از مراحل حساس پژوهش است. فرضیه پاسخ پیشنهادی و حدس اندیشمندانهٔ محقق به سؤال تحقیق است. معمولاً فرضیه‌ها با عبارت «به نظر می‌رسد ...» آغاز می‌شوند.

(جغرافیای ایران، جغرافیا چیست؟، صفحهٔ ۱۰)

تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۹۱- گزینهٔ «۳» *(علی‌محمد کریمی)*

با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۶)

۱۹۲- گزینهٔ «۱» *(علی‌محمد کریمی)*

تاریخ طبری تألیف محمدبن جریر طبری از انواع تاریخ‌نگاری عمومی به‌شمار می‌آید.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۴)

۱۹۳- گزینهٔ «۴» *(میلاد هوشیار)*

مورخ در تاریخ‌نگاری به روش ترکیبی ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم او دور بماند.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۱۷)

۱۹۴- گزینهٔ «۴» *(میلاد هوشیار)*

از برجسته‌ترین آثاری که به شیوهٔ تحلیلی تألیف شده است، می‌توان به کتاب تجارب‌الامم ابوعلی مسکویه، تاریخ بیهقی و مروج‌الذهب مسعودی اشاره کرد.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحهٔ ۱۸)

۱۹۵- گزینهٔ «۴» *(علی‌محمد کریمی)*

مکه که بر سر راه یمن به شام قرار داشت، مرکز اصلی بازرگانی به‌شمار می‌رفت و سران قریش از طریق تجارت با شام و دیگر سرزمین‌های اطراف شبه‌جزیرهٔ عربستان، سود سرشاری کسب می‌کردند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحهٔ ۲۲)

۱۹۶- گزینهٔ «۱» *(فاطمه سقایی)*

یکی از کارهای جغرافی‌دانان، مطالعهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های مکان‌هاست. مکان‌هایی که ویژگی‌های مشابه دارند، همان نواحی هستند.

(جغرافیا (۲)، ناحیه چیست؟، صفحهٔ ۴)

۱۹۷- گزینهٔ «۴» *(فاطمه سفایی)*

ویژگی اصلی هر ناحیه، وحدت و همگونی نسبی عناصر طبیعی و انسانی در آن است، به‌طوری که با بخش‌های مجاور خود متفاوت باشد.

(جغرافیا (۲)، ناحیه چیست؟، صفحهٔ ۴)

۱۹۸- گزینهٔ «۴» *(فاطمه سفایی)*

در کانون یک ناحیه، تمرکز پدیدهٔ متمایزکننده زیاد می‌شود و بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارد. هرچه از کانون یک ناحیهٔ جغرافیایی دور می‌شویم و به طرف مرزهای آن حرکت می‌کنیم، به‌تدریج از عوامل همگونی آن ناحیه کاسته می‌شود و سرانجام، این عوامل ناپدید می‌گردند.

هرچه به‌سمت بیابان صحرا پیش برویم، بارندگی کمتر و علف‌های ساوان کوتاه‌تر و تنک‌تر می‌شوند و کم‌کم به مراتع مداری تبدیل می‌گردند.

(جغرافیا (۲)، ناحیه چیست؟، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

۱۹۹- گزینهٔ «۳» *(آزاده میرزایی)*

مرزهای نواحی قابل تغییرند؛ یعنی در اثر فعالیت‌های انسانی یا عوامل طبیعی ممکن است ویژگی‌های خاص یک ناحیه از بین برود و وسعت آن کم یا زیاد شود.

(جغرافیا (۲)، ناحیه چیست؟، صفحهٔ ۱۶)

۲۰۰- گزینهٔ «۴» *(فاطمه سفایی)*

مرزهای نواحی طبیعی و انسانی معمولاً با مرزهای اداری و سیاسی منطبق نیستند.

(جغرافیا (۲)، ناحیه چیست؟، صفحهٔ ۱۷)

فلسفهٔ دوازدهم

۲۰۱- گزینهٔ «۲» *(حسن صدری)*

حمل رشدکننده بر گیاه و اینکه بگوییم «گیاه رشدکننده است.» نیازمند دلیل نیست، زیرا رشدکننده از مفاهیم ذاتی و جزئی از حقیقت گیاه است. اما حمل وجود بر هر ماهیتی نیازمند دلیل است، چون وجود جزء مفهوم هیچ ماهیتی نیست.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحهٔ ۵)

۲۰۲- گزینهٔ «۴» *(سبا جعفرزاده صابری)*

گزینهٔ «۱»: در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «چیستی» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «هستی» شان خبر داریم.

گزینهٔ «۲»: برخی امور وجود دارند که از «هستی»شان خبر داریم اما «چیستی» آن‌ها هنوز چندان برای ما روشن نیست.

گزینهٔ «۳»: «چیستی»های فراوانی را هم می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می‌دانیم این امور، حداقل تاکنون در خارج موجود نشده‌اند؛ گزاره‌های فوق، گرچه به مسائل روزمرهٔ ما مربوط می‌شوند و قضایای فلسفی نیستند، اما یک تبیین فلسفی دارند و می‌بینیم که فارابی و ابن‌سینا این تبیین فلسفی را از همین نوع گزاره‌ها ارائه کرده‌اند (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۳). مفاهیم معدوم که دربارهٔ چیستی آن‌ها می‌اندیشیم دست کم در ذهن ما وجود ذهنی دارند. نمی‌شود که چیزی در ذهن ما نباشد ولی چیستی آن را بدانیم.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۲۰۳- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

قضیهٔ انسان موجود است، با قضیهٔ انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان حمل شایع صناعی است، اما ناطق و حیوان ذاتی انسان‌اند و حمل آن‌ها بر انسان دلیل نمی‌خواهد.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اولی ذاتی ـ شایع صناعی

گزینهٔ «۳»: شایع صناعی ـ اولی ذاتی

گزینهٔ «۴»: اولی ذاتی ـ شایع صناعی

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۵ و ۷)

۲۰۴- گزینهٔ «۳» *(سبا جعفرزاده صابری)*

اگر وجود عین هر ماهیتی بود، الزام می‌آمد که همهٔ ماهیات یکی باشند، پس یکی شدن ماهیت‌ها تنها در حالت عینیت وجود و ماهیت برقرار است نه جزئیت.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت بود نفی وجود از ماهیت، ممکن نبود و حال آنکه می‌توان وجود را از ماهیات نفی کرد می‌توان گفت «سیمرغ وجود ندارد.»

گزینهٔ «۲»: اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت می‌بود، اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. با تصور هر ماهیتی وجود هم با آن همراه می‌شد.

گزینهٔ «۴»: اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود، تصور وجود از تصور ماهیت منفک نمی‌شد و هرگاه ماهیت را تصور می‌کردیم وجود نیز تصور می‌شد و حال آنکه گاهی ماهیتی را تصور می‌کنیم و در آن حال توجهی به نیستی یا هستی آن نداریم و از هستی یا نیستی آن غفلت داریم.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۵ و ۶)

۲۰۵- گزینهٔ «۴» *(حسن صدری)*

تفاوت معنای کلمات هستی و چیستی صرفاً بحثی زبانی است و نه بحثی فلسفی. بحث ما در اثبات مغایرت مفهومی و فلسفی این دو مفهوم است، نه صرفاً مغایرت معنایی و شرح‌اللفظی. اما گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» همگی به مغایرت مفهومی وجود و ماهیت اشاره می‌کنند.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۴ تا ۶)

۲۰۶- گزینهٔ «۴» *(سبا جعفرزاده صابری)*

برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه یا از طریق عقل محض شناسایی شود. سایر ماهیت‌ها و چیستی‌ها نیز نسبت به مفهوم وجود همین حالت را دارند.

بنابراین مفهوم «انسان» به‌عنوان یکی از چیستی‌ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطهٔ ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: انسان بودنِ انسان اشاره به ماهیتش دارد و این از وجودش جداست نه از ماهیتش (براساس اصل مغایرت وجود و ماهیت؛ وجود و ماهیت با یکدیگر متمایز هستند نه ماهیت و ماهیت.)

گزینهٔ «۲»: حمل ضروری نیازمند دلیل نیست پس حملی مانند حمل حیوان ناطق بر انسان ضروری و بی‌نیاز از دلیل است.

گزینهٔ «۳»: دلایل حمل وجود بر ماهیت یا حسی و تجربی است یا عقلانی محض ولی این حمل نیازمند دلیل است و نمی‌توان گفت ضروری است.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحهٔ ۵)

۲۰۷- گزینهٔ «۳» *(نیما هواهری)*

وجود و ماهیت دو مفهوم (دو جنبهٔ ذهنی) از یک موجود واحد در جهان خارج هستند، نه دو امر موجود و واقعی.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: ما با اشیاء جهان خارج ارتباط می‌گیریم و از آن‌ها استفاده می‌کنیم. این ارتباط به معنای تصدیق وجود آن‌ها و خیالی نبودن این اشیاء است.

گزینهٔ «۲»: پرسش از چیستی یک امر نشان‌دهندهٔ آگاهی از وجودداشتن و ماهیت‌داشتن آن شیء است. دقت کنید که آگاهی از ماهیت داشتن شیء مترادف با آگاهی از چیستی ماهیت آن شیء نیست.

در پرسش این چیست می‌دانیم که آن شیء هم وجود دارد و هم ماهیت ولی دقیقاً نمی‌دانیم که ماهیت آن چیست، پس علم به وجود ماهیت با علم به چیستی ماهیت متفاوت است.

گزینهٔ «۴»: اگر همهٔ مفاهیم دو قضیه کاملاً یکسان باشند و در جایگاه یکسان قرار گرفته باشند، قاعدتاً نوع حمل حاصل از این مفاهیم هم یکسان خواهد بود. این قاعده‌ای است که ابن‌سینا در اثبات مغایرت وجود و ماهیت استفاده کرد. مانند قضیهٔ انسان انسان است با قضیهٔ انسان حیوان ناطق است.

(فلسفه (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۵)

۲۰۸- گزینهٔ «۴» *(نیما هواهری)*

اگر محمول عین مفهوم یا جزئی از مفهوم و ذات موضوع باشد، حمل اولی ذاتی و اگر غیر این باشد حمل از نوع شایع صناعی است. پیوسته و ثابت‌بودن از ذاتیات مقدار یا کم نیستند. زیرا مقدار یا کم می‌تواند ناپیوسته (منفصل) باشد؛ مثل عدد. کم منفصل عدد است و کم متصل خط است.

نکته: اگر مفهومی جزئی از ذات چیزی باشد، آن چیز امکان ندارد آن وصف را دارا نباشد. پس اگر دیدید که آن وصف را می‌شد از آن مفهوم جدا کرد، پس بدانید که جزو ذاتش نیست. این معیار خوبی برای تشخیص حمل اولی ذاتی و شایع صناعی می‌باشد.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحهٔ ۵)

۲۰۹- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

توماس اکوئیناس که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی «ابن‌رشد» دیگر فیلسوف مسلمان بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفهٔ غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن‌سینا و ابن‌رشد آشنا شوند و از این طریق، مجدداً با فلسفهٔ ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۲۱۰- گزینهٔ «۴» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

حمل قائم‌الزاویه بر مثلث ضروری نیست. مثلث ممکن است قائم‌الزاویه باشد یا نباشد. پس این حمل غیرضروری و نیازمند دلیل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

رد گزینهٔ «۱»: سه زاویه داشتن برای مثلث ضروری است ولی این حمل ذاتی نیست و نیازمند دلیل است. در واقع مثلث چون سه‌ضلعی است سه زاویه دارد.

رد گزینهٔ «۲»: حمل سه ضلعی بر مثلث ضروری و بی نیاز از دلیل است، چون سه ضلع داشتن برای مثلث ذاتی است. یا به عبارتی علت سه زاویه داشتن مثلث سه‌ضلعی بودن آن است.

رد گزینهٔ «۳»: حمل متساوی‌الساقین بر مثلث غیرضروری و نیازمند دلیل است، چون مثلث ممکن است متساوی الساقین باشد یا نباشد.

(فلسفهٔ (۲)، هستی و چیستی، صفحهٔ ۵)

منطق

۲۱۱- گزینهٔ «۱» *(حسین آفونری راهنماپی)*

دانستن منطق فایده دارد اما زمانی فایدهٔ آن مشهودتر و بهتر می‌شود که به‌کار گرفته شود. دانستن نظری علم منطق بی‌فایده نیست اما کاربرد عملی آن مهم‌تر است.

نکته: بخشی از قواعد منطق توسط ارسطو کشف شده نه همهٔ آن.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۴ و ۵)

۲۱۲- گزینهٔ «۲» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

فقط گزینهٔ «۲» تصدیق است و نیازمند استدلال؛ زیرا فعل «است» در این عبارت، چیزی را به چیزی دیگر نسبت می‌دهد. سایر گزینه‌ها نسبت ندارند و بنابراین تصور هستند و نیازمند استدلال نیستند.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۷ تا ۱۰)

۲۱۳- گزینهٔ «۱» *(نیما هواهری)*

در ساحت زبان الفاظ وجود دارند. هر لفظ بیانگر مفهومی خاص در ذهن ما است. دلالت‌گری الفاظ بر مفاهیم قراردادی است و در هر زبانی الفاظ و واژگان ممکن است متفاوت باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: مفهوم عبارت است از تصور ذهنی ما از هر شیء، نه حقیقتی در جهان خارج.

گزینهٔ «۳»: درست است که یک شیء مصداق مفهومی در ذهن ماست، اما این‌گونه نیست که از شئ می‌توان فقط یک مفهوم به ذهن آورد. از شیء مفاهیم متعددی دریافت می‌شوند. مثلاً از درخت می‌توان مفاهیم «درخت»، «بلند»، «دارای میوه»، «سبز» و ... را استنباط کرد.

گزینهٔ «۴»: هر مفهومی لزوماً دارای مصداق و مابه‌ازای خارجی نیست. مثلاً مفاهیم «سیمرغ» و «اژدها» و ... در ذهن ما هستند ولی مصداق واقعی ندارند.

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۲)

۲۱۴- گزینهٔ «۴» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

کلمات مشترک لفظی (چند معنایی) زمانی می‌توانند زمینه‌ساز مغالطهٔ اشتراک لفظ شوند که معانی‌ای از آن‌ها قابل جایگذاری نباشد. در این حالت است که می‌توانیم بگوییم فردی ممکن است معنای اشتباهی‌ای را برای یک مشترک لفظی بگیرد. در گزینهٔ چهارم هر دو معنای شیرین قابل جایگذاری‌اند.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۱۵- گزینهٔ «۳» *(حسین آفونری راهنماپی)*

رئیس اداره دلالت مطابقی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

اداره= رئیس اداره ← التزامی

کامپیوتر= قسمتی از کامپیوتر ← تضمنی

خوردی= درد آوردی ← التزامی

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۱۶- گزینهٔ «۳» *(حسن صدری)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دلالت مطابقی

گزینهٔ «۲»: دلالت مطابقی

گزینهٔ «۳»: دلالت التزامی؛ در اینجا کنایه مطرح شده است و منظور این است که او دیگر به این آموزشگاه نخواهد آمد.

گزینهٔ «۴»: دلالت مطابقی

نکته: همهٔ کنایه‌ها دارای دلالت التزامی‌اند.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۱۷- گزینهٔ «۱» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

اگر کسی این‌گونه استدلال کند که هر آن کس که دندان دهد نان دهد و بر این اساس هیچ کاری انجام ندهد، دچار مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری شده است.

منظور از دندان دادن این است که خداوند عقل و توانایی به انسان داده و او را کمک می‌کند تا بتواند کسب روزی کند.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۱۸- گزینهٔ «۳» *(سبا جعفرزاده صابری)*

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطهٔ نگارشی» کلمات می‌شود. این خطا می‌تواند به‌جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکتهٔ کلمات نیز باشد. نکته: به یاد داشته باشید که اگر این موارد رعایت نشود منجر به مغالطه خواهد شد وگرنه در صورت رعایت حرکات، دیکته و علائم مغالطه‌ای موجود نیست. در گزینهٔ «۳» قُمری و قَمَری با رعایت حرکات صحیح نوشته شده و منجر به خطای ذهنی نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: وجود کسره یا ویرگول بین برادر و پدربزرگم منجر به معانی مختلف جمله می‌شود.

گزینهٔ «۲»: زِ یاد ـ زیاد

گزینهٔ «۴»: مَرده یا مُرده

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۶)

۲۱۹- گزینهٔ «۲» *(حسن صدری)*

در عبارت ذکرشده مرجع ضمیر «او» نامشخص است. نمی‌دانیم که این ضمیر به «یگانه» برمی‌گردد یا به «سارا». و عبارت معنای دو پهلویی دارد. بنابراین مغالطهٔ «ابهام در مرجع ضمیر» مشهود است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۷)

۲۲۰- گزینهٔ «۱» *(نیما جواهری)*

در گزینهٔ «۱» «شیر» مشترک لفظی است. اما مغالطهٔ اشتراک لفظ نداریم. اتفاقاً خود شعر دارد به مغالطهٔ اشتراک لفظ و دچار شدن به آن اشاره می‌کند و می‌گوید اگرچه «شیر» به یک صورت نوشته می‌شود، اما معانی مختلف دارد و نباید آن‌ها را اشتباهاً یکی بگیری، بلکه با هم تفاوت دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: مرجع ضمیر «ـَ ش» در این عبارت مشخص نیست که علی است یا احمد است. پس ابهام در مرجع ضمیر داریم.

گزینهٔ «۳»: با توجه به این‌که ویرگول بعد از واژهٔ «زمین‌شناسی» قرار بگیرد یا بعد از واژهٔ «جیرفت» معنا متفاوت می‌شود؛ این‌که جیرفت محل برگزاری همایش است یا محل دستاوردهای زمین‌شناسی است. پس مغالطهٔ نگارشی کلمات داریم.

گزینهٔ «۴»: فرد اینجا به جای معنای التزامی «شلیک نکردن» که نکشتن رزمنده و زنده گذاشتن است، صرفاً معنای مطابقی آن یعنی پرتاب نکردن گلوله را گرفته است. پس مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری داریم.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۷)

فلسفهٔ یازدهم

۲۲۱- گزینهٔ «۳» *(سبا جعفرزاده صابری)*

یکی از ویژگی‌های انسان پرسشگری است. کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می‌کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمهٔ (چرا) به پدر و مادر خود نشان می‌دهند.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤال‌ها را می‌یابیم و امور روزانهٔ خود را سامان می‌دهیم (یافتن پاسخ سؤالات: حیطهٔ نظری / سامان دادن امور: حیطهٔ عملی)

گزینهٔ «۲»: تفکر، واسطهٔ رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌هاست.

گزینهٔ «۴»: مراحل اندیشه‌ورزی: ۱- روبه‌رو شدن با مسئله ۲- طرح سؤال ۳- تفکر در اندوخته‌ها ۴- رسیدن به پاسخ

(فلسفهٔ یازدهم، چیستی فلسفه، صفحهٔ ۴)

۲۲۲- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

اگر انسانی از این مرحلهٔ تفکر (مرحلهٔ تفکر غیرفلسفی) عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دستهٔ دوم پرداخت، وارد مرتبهٔ دوم تفکر (تفکر فلسفی) می‌شود.

نکات مهم درسی:

عبور کردن از مرحلهٔ اول به معنای کنارگذاشتن یا صرف نظر کردن کلی از این مرحله نیست. (رد گزینهٔ ۱)

(فلسفهٔ یازدهم، چیستی فلسفه، صفحه‌های ۵ و ۶)

۲۲۳- گزینهٔ «۳» *(حسین آفونری راهنماپی)*

معنای فلسفه در زمان ارسطو عام‌تر از الان بوده است (همهٔ دانش‌ها را دربرمی‌گرفت.)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: معنای لغوی فلسفه = دوستداری دانایی

گزینهٔ «۲»: فیلوسوفیا یونانی واژهٔ فلسفه است.

گزینهٔ «۴»: واژهٔ فلسفه = فیلوسوفیا را سقراط عمومیت داد و بر سر زبان‌ها انداخت. فیثاغورس اولین کسی بود که این کلمه را به‌کار برد اما مروج آن نبود.

(فلسفهٔ یازدهم، چیستی فلسفه، صفحه‌های ۷ و ۸)

تلاشی درمسیر موفقیت

۲۲۴- گزینهٔ «۳» *(حسن صدری)*

فلسفه از آن جهت که راجع به هستی و موجودیت چیزها صحبت می‌کند و موضوعی عام و مطلق دارد که دربرگیرندهٔ همهٔ موجودات است، مسائل آن پایه و اساس مباحث سایر دانش‌ها به حساب می‌آیند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: به لحاظ روش، دانش فلسفه منحصر به فرد نیست و شبیه دانش ریاضی است.

گزینهٔ «۲»: با استفاده از حواس و تجربه نمی‌توان به پاسخ مسائل فلسفی و ریاضی دست یافت.

گزینهٔ «۴»: فلسفه به چیستی و ویژگی‌های خاص موجودات نظر نمی‌کند، بلکه هستی و موجودیت آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

(فلسفهٔ یازدهم، چیستی فلسفه، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۲۲۵- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

توجه کنید رابطهٔ بین تفکر و تفکر فلسفی عموم و خصوص مطلق است؛ درحالی که عبارت (از جهتی عام و از جهتی خاص) اشاره به رابطهٔ عموم و خصوص من وجه دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تفکر فلسفی و فلسفه هر دو تفکر دربارهٔ مسائل بنیادی است که در حیطهٔ فطرت ثانی می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: فلسفه و ریاضی موضوعات متفاوت اما روش یکسان (عقلی ـ استدلالی) دارند.

گزینهٔ «۴»: انسان در هر لحظه برای رفع نیازهای اولیه نیازمند حوزهٔ فطرت اول می‌باشد و رسیدن به فطرت ثانی به معنای کنار گذاشتن و صرف نظر از فطرت اول نیست.

(فلسفهٔ یازدهم، چیستی فلسفه، صفحه‌های ۴، ۵ و ۱۰)

۲۲۶- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

عدم وجود صدفه و اتفاق اشاره به وجود قانون علیت دارد یعنی نظم این جهان خود به خود پدید نیامده و ناظم داشته است (قانون علیت از جملهٔ قواعد مهم هستی‌شناسی است.)

نکته: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی از جملهٔ بخش‌های اصلی فلسفهٔ (فلسفهٔ اولی) هستند که نسبت به فلسفه‌های مضاف بنیادی‌تر و اساسی‌تر هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: فلسفهٔ علوم اجتماعی

گزینهٔ «۳»: فلسفهٔ اخلاق

گزینهٔ «۴»: انسان‌شناسی فلسفی

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحهٔ ۱۲)

۲۲۷- گزینهٔ «۴» *(حسین آخوندی راهنمایی)*

پرسش شمارهٔ چهار دربارهٔ مبحث معرفت‌شناسی می‌پرسد و چون معرفت‌شناسی بخشی از ریشهٔ فلسفه است، سؤالات این بخش از مسائل فلسفهٔ مضاف بنیادی‌تر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

پرسش اول در فلسفهٔ جامعه‌شناسی و پرسش دوم در فلسفهٔ اخلاق و پرسش سوم در فلسفهٔ تاریخ جای می‌گیرد.

نکته: سؤالات فلسفهٔ مضاف و سؤالات ریشهٔ فلسفه (معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی) همه فلسفی و اساسی هستند.

اما سؤالات معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی نسبت به سؤالات فلسفه‌های مضاف بنیادی‌تر و اساسی‌تر است.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحهٔ ۱۲)

۲۲۸- گزینهٔ «۲» *(سبا جعفرزاده صابری)*

براساس متن کتاب درسی: از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان (فیلسوفان) می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد؛ برای مثال می‌خواهند بدانند که آیا انسان می‌تواند قانون علیت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحهٔ ۱۳)

۲۲۹- گزینهٔ «۳» *(نیما هواهری)*

آنچه در فلسفهٔ مضاف می‌پذیریم اساس و شالودهٔ نظریات ما در علوم گوناگون واقع می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مبانی و زیربناهای علوم در بخش فلسفه‌های مضاف بررسی می‌شوند.

گزینهٔ «۲»: فلسفهٔ مضاف همواره به بررسی علوم گوناگون می‌پردازد. به جایگاه قید «گاهی» در متن کتاب درسی دقت کنید که شما را به اشتباه نیندازد. کتب درسی گفته که «گاهی به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می‌کنند، فلسفهٔ مضاف آن علم گفته می‌شود» نه این‌که «فلسفهٔ مضاف گاهی ...»!

گزینهٔ «۴»: اساس و شالودهٔ نظریات در علوم گوناگون، آن چیزی است که در فلسفهٔ مضاف می‌پذیریم.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحهٔ ۱۵)

۲۳۰- گزینهٔ «۳» *(نیما هواهری)*

بحث در اصالت فرد یا اصالت جامعه بر سر هویت جامعه و افراد است. یعنی این‌که آیا سراسر احکام و اوصاف جامعه همان اوصاف و احکام موجود بین افراد و تابع آن است (اصالت فرد) یا این‌که جامعه خود احکام و ضرورت‌های مستقل خودش را دارد و این افراد هستند که تابع احکام و شرایط اجتماعی هستند (اصالت جامعه).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دقت کنید که بحث بر سر وجود جوامع و نحوهٔ شکل‌گیری آن‌ها نیست. همه می‌دانند که جوامع از به هم پیوستن عده‌ای انسان شکل می‌گیرند.

گزینه‌های «۲» و «۴»: موارد مطرح شده در این دو گزینه از مباحث خود جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی است، نه فلسفهٔ این علوم. فرد بسته به اینکه در بحث اصالت فرد یا جامعه در فلسفه چه رویکردی را برگزیده باشد ممکن است در این موارد نیز رویکردی متناسب با آن اتخاذ کند.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

منطق

۲۳۱- گزینهٔ «۲» *(علیرضا نصیری)*

برای معلوم شدن یک تصور مجهول از تعریف و برای معلوم شدن یک تصدیق مجهول از استدلال استفاده می‌کنیم. در مورد اول حکم و قضاوت وجود ندارد در نتیجه تصور است و برای معلوم کردن آن باید از تعریف استفاده کرد. مورد دوم به تنهایی یک جملهٔ مستقل نیست و معنای کاملی ندارد؛ در نتیجه تصور است و برای معلوم کردن آن باید از تعریف استفاده کرد. مورد سوم یک جملهٔ کامل و با معناست که در آن حکم و قضاوت نیز وجود دارد و در نتیجه تصدیق است که برای معلوم کردن آن باید از استدلال استفاده کرد.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحه‌های ۷ تا ۱۰)

۲۳۲- گزینهٔ «۴» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

تصدیق یک جملهٔ خبری کامل است که در آن حکم و قضاوت وجود دارد. تنها در گزینهٔ «۴» با یک خبر کامل مواجه هستیم. سایر گزینه‌ها، خبر ناقص و بنابراین تصور هستند.

(منطق، منطق ترازوی اندیشه، صفحهٔ ۷)

۲۳۳- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

حرف «با» می‌تواند دو معنی داشته باشد. شیرین و فرهاد با هم ازدواج کردند (با همدیگر). شیرین و فرهاد با هم ازدواج کردند (هم‌زمان ازدواج کردند).

گزینهٔ «۳»: با توجه به این‌که در انتهای عبارت این گزینه شواهدی داریم که معنای اصلی کلمهٔ «پیچ» را مشخص می‌کند، مغالطه‌ای نداریم.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۳۴- گزینهٔ «۳» *(علیرضا نصیری)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «سرمان را بردی» کنایه از آزردن است و به این معناست که به خاطر بلندی صدایت ما را آزردی. در نتیجه دلالت التزامی محسوب می‌شود.

گزینهٔ «۲»: «سر» در این جا به معنای تصمیم و خیال به کار رفته است. در نتیجه دلالت التزامی دارد.

گزینهٔ «۳»: در این‌جا بخشی از سر فرد شکسته شده، نه کل آن. در نتیجه دلالت تضمنی بوده و با سایر گزینه‌ها متفاوت است.

گزینهٔ «۴»: «سر کسی برای چیزی درد کردن» کنایه از علاقهٔ مفرط به انجام کاری است در نتیجه واژهٔ سر در این گزینه دلالت التزامی دارد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۳۵- گزینهٔ «۲» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

در گزینهٔ «۲» مرجع ضمیر در کلمهٔ «بدش و رویش» مشخص نیست.

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۷)

۲۳۶- گزینهٔ «۳» *(علیرضا نصیری)*

طبق متن کتاب درسی: «به کار بردن دلالت مطابقی به جای دلالت تضمنی و التزامی، به خطایی منجر می‌شود که آن را مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری می‌نامند.» از این متن نتیجه می‌گیریم که اگر فقط واژگانی را که دلالت تضمنی دارند از گفتار یا نوشتار خود حذف کنیم همچنان امکان این مغالطه در دلالت التزامی وجود خواهد داشت و اگر دلالت التزامی را به‌تنهایی حذف کنیم، امکان اشتباه در دلالت تضمنی باقی می‌ماند. پس حذف یکی از این دو به تنهایی کافی نیست (رد گزینه‌های ۱ و ۲). جابه‌جا کردن دلالت‌های تضمنی و التزامی با هم، مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری نمی‌سازد پس اجتناب از آن نمی‌تواند جلوی این مغالطه را بگیرد. (رد گزینهٔ ۴) ولی اگر تمام واژه‌ها را با دلالت مطابقی به کار ببریم، دیگر دلالت تضمنی و التزامی وجود نخواهد داشت تا باعث مغالطه شود. (تأیید گزینهٔ ۳)

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۳۷- گزینهٔ «۱» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

برای مثال استدلالی با مقدمات «شیر کلسیم دارد + شیر حیوان جنگل است»، لفظ تکرارشدهٔ (شیر) معنای یکسانی ندارد و با نتیجه‌گرفتن از این استدلال مغالطهٔ اشتراک لفظ روی می‌دهد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۳۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات، باعث پدید آمدن «مغالطهٔ شیوهٔ نگارشی کلمات» می‌شود. این خطا می‌تواند به جز علائم سجاوندی و حرکات، ناشی از دیکتهٔ کلمات نیز باشد.

این مغالطه در نوشتار و صورت مکتوب کلام رخ می‌دهد، نه در صورت گفتاری.

(منطق، لفظ و معنا، صفحهٔ ۱۶)

۲۳۹- گزینهٔ «۴» *(علیرضا نصیری)*

تشریح گزاره‌ها:

عبارت اول در اینجا دو معنی از جمله قابل برداشت است؛ اول اینکه رضا از حمید بهتر است و دوم اینکه رضا از گوینده بهتر است و چون مرجع ضمیر «او» و همچنین «من» مشخص نیست، ابهام موجود می‌تواند باعث به وجود آمدن مغالطه شود.

عبارت دوم لفظ «دور از تو» دو معنای مشترک دارد و مشترک لفظی محسوب می‌شود. یک معنا «دور بودن از کسی» و معنای دیگر «دور از جان تو» (دعایی) است.

عبارت سوم منظور فرد اول از «سفر»، مسافرت است ولی فرد از این کلمه ماه «صفر» را برداشت کرده است که از مصادیق مغالطهٔ نگارشی می‌باشد.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۹)

۲۴۰- گزینهٔ «۱» *(علیرضا نصیری)*

ضمیر «او» در جملهٔ اول ابهام دارد. علی به شهرام گفت که خودش مانند شیر است، یا علی به شهرام گفت که شهرام مانند شیر است؟ بنابرین ابهام در مرجع ضمیر در مکالمهٔ سؤال مشهود است. در ضمن، «شیر» در جملهٔ اول به معنای شیر جنگل به‌کار رفته و تشبیه صورت گرفته است. به‌کاربردن لفظ شیر به جای آن فرد استعاره و دلالت التزامی می‌سازد؛ اما در جملهٔ دوم دلالت مطابقی آن لفظ برداشت شده که باعث ایجاد مغالطهٔ توسل به معنای ظاهری شده است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۹)

ریاضی و آمار (۳)

۲۴۱- گزینهٔ «۲» *(سعید عزیزخانی)*

دنباله را می‌توان به صورت: $a_{5n-1}=\frac{\sqrt[3]{(n-1)^2}}{3n}$ نوشت، سؤال a_9 را خواسته است؛ یعنی:

$5n-1=9\Rightarrow n=2$

بنابراین در ضابطهٔ دنباله به جای n مقدار ۲ جایگذاری می‌کنیم:

$n=2\Rightarrow a_9=\frac{\sqrt[3]{(2-1)^2}}{6}=\frac{1}{6}$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

۲۴۲- گزینهٔ «۲» *(سعید عزیزخانی)*

در دنبالهٔ فیبوناچی، هر جمله از مجموع دو جملهٔ قبلی به‌دست می‌آید:

$a_{10}=a_9+a_8=34+21=55$

$a_{11}=a_{10}+a_9=55+34=89$

$\Rightarrow a_{10}+a_{11}=55+89=144$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحهٔ ۵۶)

۲۴۳- گزینهٔ «۳» *(امیر محمودیان)*

$n=1: a_3=a_2+a_1+b\Rightarrow a_3=1+c+b$

$n=2: a_4=a_3+a_2+2b\Rightarrow a_4=1+c+b+c+2b$

$\Rightarrow a_4=1+2c+3b$

$n=3: a_5=a_4+a_3+3b$

$\Rightarrow a_5=1+2c+3b+1+c+b+3b$

$\Rightarrow a_5=2+3c+7b$

$\begin{cases}1+c+b=3\\2+3c+7b=4\end{cases}\Rightarrow\begin{cases}b+c=2\\7b+3c=2\end{cases}\xrightarrow{\times(-3)}\begin{cases}-3b-3c=-6\\7b+3c=2\end{cases}$

$\xrightarrow{+}4b=-4\Rightarrow b=-1\Rightarrow c=3$

$a_4=1+2c+3b=4,\ a_5=2+3c+7b=4$

$n=4: a_6=a_5+a_4-4=4+4-4=4$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۵۲ تا ۶۰)

۲۴۴- گزینهٔ «۴» *(محمدابراهیم توزنده‌جانی)*

می‌دانیم جملهٔ عمومی دنبالهٔ مربعی n^2 و جملهٔ عمومی دنبالهٔ مثلثی $\frac{n(n+1)}{2}$ است. لذا $a_5=\frac{5(5+1)}{2}=15$ و $b_3=(3)^2=9$ و $a_5b_3=15(9)$ مضرب ۹ است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحهٔ ۶۰)

۲۴۵- گزینهٔ «۳» *(نسترن صمدی)*

جملهٔ عمومی دنبالهٔ مثلثی : $a_n=\frac{n(n+1)}{2}$

جملهٔ عمومی دنبالهٔ حسابی : $b_n=b_1+(n-1)d$

$a_4=b_8\Rightarrow\frac{4(5)}{2}=b_1+7(3)$

$10=b_1+21\Rightarrow b_1=-11$ جملهٔ اول دنبالهٔ حسابی برابر ۱۱- است.

جملهٔ سوم دنبالهٔ حسابی برابر است با:

$b_3=b_1+2d=-11+2(3)=-5$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۸)

۲۴۶- گزینهٔ «۱» *(علیرضا عبدی)*

جملهٔ عمومی دنباله $a_n=a_1+(n-1)d$ است.

$a_8+a_7+a_6+a_5=20$

$\Rightarrow(a_1+7d)+(a_1+6d)+(a_1+5d)+(a_1+4d)=20$

$\Rightarrow 4a_1+22d=20\Rightarrow 2a_1+11d=10\ (*)$

حاصل a_3+a_{10} برابر است با:

$a_1+2d+a_1+9d=2a_1+11d\xrightarrow{(*)}10$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۲۴۷- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

در یک دنبالهٔ حسابی با جملهٔ عمومی t_n، اگر $m+p=r+s$ باشد، آن‌گاه $t_m+t_p=t_r+t_s$ است.

$10+10=7+13\Rightarrow t_{10}+t_{10}=t_7+t_{13}$

$\Rightarrow 2t_{10}=17+41=58\Rightarrow t_{10}=29$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۲۴۸- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

$-8,-6,\cdots\Rightarrow d=(-6)-(-8)=2$

$a_{10}=a_1+9d=-8+9\times(2)=10$

$a_{20}=a_1+19d=-8+19\times(2)=30$

میانگین جمله‌های دهم و بیستم $=\frac{10+30}{2}=20$

تذکر: واسطهٔ حسابی بین دو عدد، همان میانگین دو عدد می‌باشد.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۲۴۹- گزینهٔ «۲» *(امیر زراندوز)*

راه حل اول:

$7,\ \underbrace{\ldots}_{7\text{ تا}},55$

$a_1,\ldots,a_9$

$a_9-a_1=(9-1)d\Rightarrow 55-7=8d\Rightarrow 48=8d\Rightarrow d=6$

جملهٔ وسط = جملهٔ پنجم $=a_1+4d=7+4(6)=31$

راه حل دوم:

جملهٔ وسط همان واسطهٔ حسابی بین جملهٔ اول و آخر است:

جملهٔ وسط $=\frac{7+55}{2}=31$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۲۵۰- گزینهٔ «۳» *(محمد بحیرایی)*

$x-1,4,2x\xrightarrow{\text{شرط دنبالهٔ حسابی}}2\times(4)=(x-1)+2x$

$\Rightarrow 8=3x-1\Rightarrow 3x=9\Rightarrow x=3$

$\xrightarrow{\text{جملات دنباله}}2,4,6,\cdots\Rightarrow a_1=2,d=4-2=2$

$a_{10}=a_1+9d=2+9(2)=20$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای خطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

علوم و فنون ادبی (۳)

۲۵۱- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

این جریان با تقویت از سوی حکومت در دههٔ ۱۳۲۰ و اوایل دههٔ ۱۳۳۰ از گسترده‌ترین جریان‌های زمان خود شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحهٔ ۶۹)

۲۵۲- گزینهٔ «۳» *(فرهاد علی‌نژاد)*

«زمستان ۶۲» نام رمانی به قلم اسماعیل فصیح است. مجموعهٔ شعر اخوان ثالث «زمستان» نام دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۱، ۷۲، ۷۷ و ۷۸)

۲۵۳- گزینهٔ «۴» *(فرهاد علی‌نژاد)*

آثار احمد محمود: همسایه‌ها ـ مدار صفر درجه ـ زمین سوخته

آثار هوشنگ گلشیری: آینه‌های دردار ـ برهٔ گمشدهٔ راعی

آثار سیدعلی موسوی گرمارودی: صدای سبز ـ خواب ارغوانی ـ برآشفتن گیسوی تاک ـ گوشوارهٔ عرش

آثار سیدمهدی شجاعی: جای پای خون ـ بدوک ـ ضیافت ـ کشتی پهلوگرفته

«تنگسیر» اثر صادق چوبک، «سفر ششم» اثر علی مؤذنی و «آتش خاموش» اثر سیمین دانشور است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۳، ۷۷، ۷۸ و ۸۰)

۲۵۴- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

وزن بیت، «فعلاتن فعلاتن فعلن» است و در هجای اول هر دو مصراع، اختیار شاعری آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن مشهود است. سایر ابیات در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده‌اند و اختیار آوردن فاعلاتن به‌جای فعلاتن در این وزن موضوعاً منتفی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۸۴)

۲۵۵- گزینهٔ «۳» *(مجتبی فرهادی)*

ابدال: وزن بیت «فعلاتن فعلاتن فعلن» است که در این گزینه در رکن پایانی مصراع اوّل (سانَست) اختیار وزنی ابدال دیده می‌شود. یعنی شاعر به جای فعلن **(UU−)**، فع لن **(−−)** آورده است / آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: وزن اصلی شعر «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است که شاعر، در رکن اول مصراع اول به جای «فعلاتن»، «فاعلاتن» آورده است / بلند بودن هجای پایانی: در پایان مصراع اول هجای«نَست» و در پایان مصراع دوم هجای «زوست» کشیده هستند و طبق این اختیار باید بلند محسوب شوند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: ابدال: وزن بیت «فعلاتن مفاعلن فعلن» است که در رکن پایانی مصراع اول (شانی) و همچنین رکن پایانی مصراع دوم«هی داد» اختیار وزنی ابدال دیده می‌شود. یعنی شاعر به جای فعلن **(UU−)**، فعلن **(−−)** آورده است/ آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: فاقد این اختیار/ بلند بودن هجای پایانی: در پایان مصراع دوم هجای«داد» کشیده است و طبق این اختیار باید بلند محسوب شود.

گزینهٔ «۲»: ابدال: فاقد ابدال / آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: وزن شعر«فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است که امکان ایجاد این اختیار در این وزن نیست و فقط در وزن‌هایی که با «فعلاتن» آغاز می‌شود باید این اختیار را بررسی کرد/ بلند بودن هجای پایانی: در پایان مصراع اول هجای«دِ» کوتاه است و طبق این اختیار باید بلند محسوب شود.

گزینهٔ «۴»: ابدال: فاقد ابدال / آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن: وزن اصلی شعر «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» است که، شاعر در رکن اول مصراع اول به جای «فعلاتن»، «فاعلاتن» آورده است / بلند بودن هجای پایانی: در پایان مصراع اول هجای «راست» کشیده است و طبق این اختیار باید بلند محسوب شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۵)

۲۵۶- گزینهٔ «۱» *(سیدعلیرضا علویان)*

وزن این بیت مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن است که در رکن سوم مصراع دوم آن (ری/ شِ /ـُ / بر) از اختیار قلب استفاده شده و مفتعلن به جای مفاعلن آمده است.

وزن سایر ابیات:

گزینهٔ «۲»: مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

گزینهٔ «۳»: مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

گزینهٔ «۴»: مفتعلن مفتعلن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۸۶)

۲۵۷- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

در رکن دوم مصراع نخست این بیت اختیار شاعری قلب به کار رفته است (هجای ششم و سیزدهم مصراع نخست، کوتاه تلفظ خواهد شد.)

سی	نِ	یِ	خا	قا	نی	یَ	گر
پا	ک	بِـ	شو	یی	یَز	غُ	بار
-	U	U	-	-	U	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-
پی	ش	خُ	دا	یِ	گان	تُ	را
بی	ش	کُ	ند	ثَ	نا	گَ	ری
-	U	U	-	U	-	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۸۶)

۲۵۸- گزینهٔ «۴» *(سیدعلیرضا احمدی)*

هجای پایانی در مصراع اول «گر» و در مصراع دوم «ما» هر دو به صورت بلند هستند و شامل اختیار شاعری نمی‌باشند.

نکتهٔ مهم درسی:

هجای پایانی در یک مصراع یا بیت، تنها زمانی دچار اختیار وزنی نمی‌شود که به صورت بلند باشد. در غیر این صورت شاعر از اختیار وزنی بهره می‌جوید و هجای پایانی را به صورت «هجای بلند» می‌نویسد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: هجاهای پایانی در دو مصراع «مِ» می‌باشد که هجای کوتاه است. در این بیت شاعر از اختیار وزنی بهره جسته و هر دو را بلند تلفّظ می‌کند.

گزینهٔ «۲»: هجای پایانی در مصراع اول «تُ» کوتاه و در مصراع دوم «نَست» کشیده می‌باشد. در این صورت شاعر از اختیار شاعری استفاده نموده و هر دو را بلند تلفّظ می‌کند.

گزینهٔ «۳»: هجای پایانی در مصراع اول «یار» و در مصراع دوم «دوست» می‌باشد که هر دو هجای کشیده هستند. لذا از اختیار وزنی استفاده می‌کنیم و هر دو را بلند می‌نویسیم.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۲۵۹- گزینهٔ «۲» *(سیدعلیرضا احمدی)*

وزن بیت: مفتعلن مفتعلن فاعلن. در این بیت در هجای چهارم مصراع اول و هجای اول و چهارم مصراع دوم، اختیار بلند تلفّظ کردن مصوّت کوتاه وجود دارد. در هجای دوم مصراع اول، مصوّت بلند «ی»، کوتاه تلفّظ شده است.

هس	تِ	یِ	تُ	صو	رَ	تِ	پی
-	U	U	~~U~~	-	U	U	-

ما	تُ	بِ	سُ	کس	بِ	تُ	ما
-	U	U	~~U~~	-	U	U	-

ون	د	نی
-	U	-
نن	د	نی
-	U	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحهٔ ۸۵)

۲۶۰- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی)*

شعر ققنوس، تثبیت‌کنندهٔ جریان نوگرایی نیما در سال ۱۳۱۶ است. در سطرهای اولیهٔ این شعر که در گزینهٔ «۳» آمده است، ملاحظه می‌شود که تساوی مصراع‌ها کاملاً به هم خورده است. قطعات دیگر گزینه‌ها از «افسانه» و دیگر آثار قبلی نیما انتخاب شده‌اند که در آن‌ها تساوی مصراع‌ها دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

جامعه‌شناسی (۳)

۲۶۱- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

تشریح موارد نادرست:

در دورهٔ اخیر عده‌ای در جهان مدرن مدعی شدند که ارزیابی‌های اخلاقی و نگاه‌های واسطه‌ای مانع پیشرفت و توسعهٔ قدرت و ثروت شده است.

از گذشته تاکنون بیشتر از ابزارهای اقناعی استفاده می‌شود، از قدرت و ابزارهای تنبیهی کمتر از ابزارهای تشویقی و از ابزارهای تشویقی نیز کمتر از ابزارهای اقناعی استفاده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۵، ۵۶ و ۶۰)

۲۶۲- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

وجه عینی و محسوس سیاست ← قدرت

حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد به رسمیت نمی‌شناسد ← نظام سیاسی لیبرال دموکراسی

مشارکت سیاسی ← موجب افزایش آگاهی سیاسی می‌شود.

سازمان ← جمع کسانی که ارزش‌ها یا برداشت‌های یکسانی دارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷، ۶۲، ۶۴ و ۶۹)

۲۶۳- گزینهٔ «۱» *(آزیتا بیدقی)*

پیامد به قدرت گرفتن کار ارادی دیگران ← شکل‌گیری قدرت اجتماعی

پیامد وجود سازمان← اعمال قدرت اقناعی

پیامد منحصر کردن علم به علوم تجربی ← صرفاً مطالعهٔ موضوعاتی مادی و محسوس از سوی جامعه‌شناسی تبیینی

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۹، ۶۰، ۶۳ و ۶۷)

۲۶۴- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

جوامع و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه و برای یک جامعه به‌دست آورده‌ایم، به همهٔ جوامع دیگر تعمیم بدهیم.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحهٔ ۶۶)

۲۶۵- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

رویکردهای تبیینی و تفسیری نمی‌توانند به ملاک و معیاری برای ارزیابی دربارهٔ قدرت و سیاست دست یابند، زیرا آن‌ها محافظه‌کارند و هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحهٔ ۶۷)

عربی زبان قرآن (۳)

۲۶۶- گزینهٔ «۲» *(حسین رضایی)*

«و ما ... إلّا»: (مستثنی منه حذف شده است) فقط ... است، چیزی جز ... نیست (رد سایر گزینه‌ها)/ «الحَیاة»: زندگی/ «لَعِب»: بازیچه/ «لَهو»: سرگرمی

(ترجمه)

۲۶۷- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

«قد تفَقَّهَ»: (در این‌جا) دانش فرا گرفته‌اند/ «أساتِذتنا»: استادان ما (رد گزینهٔ ۳)/ «فی الشَّبابِ»: در جوانی (رد گزینه‌های ۲ و ۴)/ «دَؤوبینَ» (حال): باپشتکار (رد گزینهٔ ۳)/ «لِیُفَقِّهونا»: تا ما را دانا کنند (رد گزینهٔ ۲)/ «هذهِ الأیّام»: این روزها

تذکر: «شباب» هم می‌تواند معنای مصدری (جوانی) داشته باشد و هم جمع مکسر «شابّ» باشد و معنای «جوانان» بدهد.

(ترجمه)

۲۶۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی)*

«لا طعام»: هیچ خوراکی، غذایی («... إلّا الکتاب»: جز کتاب) (رد سایر گزینه‌ها) / «یستطیع»: نمی‌تواند / «أن یُغنی»: بی‌نیاز گرداند، بی‌نیاز کند (رد گزینه‌های ۱و۴) / «فی هذه الظّروف القاسیة»: در این شرایط دشوار (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

۲۶۹- گزینهٔ «۳» *(ولی برجی - ابهر)*

ترجمهٔ صحیح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جوان با یکی از مردان از سپاه دشمن جنگید!

گزینهٔ «۲»: همانا همگی از فرق گذاشتن میان فرزندان دور می‌شویم!

گزینهٔ «۴»: هیچ اجباری در دین نیست؛ میانِ انتخاب راه حق یا گمراهی اختیار داده شدیم! («خُیِّرنا» فعل ماضی مجهول از صیغهٔ متکلّم مع‌الغیر است.)

تذکر: «قاتَلَ/ یُقاتِلُ» (از باب مفاعلة): با ... پیکار کرد (می‌کند)

(ترجمه)

۲۷۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

«ما نبایـد..... پشـیمان شـویم»: علینـا أن لا ننـدم / «از خیـری کـه انجـام داده‌ایم»: علی خیـر فعلنـاه (رد گزینـه‌هـای ۱و۳)/ «آسـمان»: السّماء/ «از باران»: علی المطر (رد گزینه‌های ۲و۳)

(ترجمه)

۲۷۱- گزینهٔ «۴» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

در صورت سؤال اشاره شده است کـه «طلـب کـردن نیـاز از غیـر اهـل آن، سخت‌تر از مرگ است!» که این مفهوم دقیقاً همان مفهوم عبارت گزینـهٔ «۴»: «طلب کردن نیازها از مردم، خواریِ زندگی است.» می‌باشد.

(مفهوم)

۲۷۲- گزینهٔ «۴» *(حسین رضایی)*

ترجمه: هیچ شکّی نیست که ادب وقتی زیاد شود، گران می‌شود. (در جملـه کلمهٔ متضاد نیست.)

کلمات متضاد در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تَحْتَ / فَوقَ

گزینهٔ «۲»: کثیر / قلیل

گزینهٔ «۳»: البَیعِ/ الشِّراء

(واژگان)

۲۷۳- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«یُصدِّقوا» صحیح است؛ فعل مضارع معلوم از باب تفعیل است.

(ضبط حرکات)

۲۷۴- گزینهٔ «۲» *(نوید امساکی)*

در جملهٔ پیش از «إلّا» فاعـلِ فعـلِ «مـا تعـرَّف» حـذف شـده اسـت؛ پـس مستثنی‌منه محذوف است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «أحد» مستثنی‌منه است.

گزینهٔ «۳»: «التّلامیذ» مستثنی‌منه است.

گزینهٔ «۴»: «المدارس» مستثنی‌منه است.

(استثناء)

۲۷۵- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

حرف «إلّا» وقتی معنی «إنّما» (فقط) مـی‌دهـد کـه مسـتثنی‌منـه از جملـه حذف شده باشد، در گزینهٔ «۲» جمله منفی و مستثنی منه محذوف است.

در سایر گزینه‌ها جملهٔ قبل از إلّا دارای مستثنی منه است.

(استثناء)

فلسفهٔ دوازدهم

۲۷۶- گزینهٔ «۴» *(علیرضا نصیری)*

عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال، همان کاربرد رایج در بین مردم است که یکی از ابزارهای شناخت می‌باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: عقل یکی از ابزارهای شناخت است نـه یکـی از انـواع شـناخت. آنچه از انواع شناخت می‌باشد، شناخت عقلیِ محض است نه خودِ عقل.

گزینهٔ «۲»: کاربرد دیگر عقل که به معنای نوعی از موجودات غیرمادیسـت، با کاربرد رایج آن بین مردم تفاوت دارد. در ضمن ایـن موجـودات غیرمـادی اندیشه و استدلال نمی‌کنند و صرفاً حقایق را شهود می‌کنند.

گزینهٔ «۳»: کاربرد عقل (به معنای ابزار تفکـر) صـرفاً بـه شـناخت و تمـایز هستی‌ها و نیستی‌ها (عقل نظـری) محـدود نمـی‌شـود و شـناخت بایـدها و نبایدها (عقل عملی) را نیز در بر می‌گیرد.

گزینهٔ «۴»: تقبیح و ناپسند شمردن یک عمل به عقل عملی مربوط می‌شود که یکی از کارکردهای معنی اول عقل است.

(فلسفهٔ (۲)، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۲۷۷- گزینهٔ «۳» *(علیرضا نصیری)*

فیلسوفان الهی معتقدند که علم این موجودات غیرمـادی از کنـار هـم قـرار دادن مقدمات و استدلال کردن نیست، بلکه این موجـودات حقـایق اشـیا را شهود می‌کنند و به مفاهیم و استدلال نیازی ندارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: این عقول نه در ذات خود به مـاده و مکـان نیازمندنـد و نـه در افعالشان.

گزینهٔ «۲»: در برخی موارد از خدا به عنوان عقل کل یاد شده، نه از عقول.

گزینهٔ «۴»: عالم غیرمادی همان عالم عقل نیست. عالم عقل یکـی از عـوالم غیرمادیست و عوالم غیرمادیِ دیگری به جز عالم عقل نیز موجودند.

(فلسفهٔ (۲)، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحهٔ ۵۴)

۲۷۸- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی)*

از دیدگاه فیلسوفان الهی روح انسان می‌تواند با تهـذیب نفـس بـه مرتبـه‌ای برسد که همچون عقول بسیاری از حقایق را شهود کند.

(فلسفهٔ (۲)، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحهٔ ۵۴)

۲۷۹- گزینهٔ «۱» *(علیرضا نصیری)*

همهٔ موارد به غیر از گزینهٔ اول به‌عنـوان خـدمات ارسـطو در راسـتای ارائـه کردن تصویری روشن از عقل، در کتاب درسی ذکر شده است. ارسطو عقـل را موجود ذهنی نمی‌داند. او عقل را کارکرد قوای شناختی انسان می‌داند.

(فلسفهٔ (۲)، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۲۸۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی)*

عقل در دورهٔ جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولات و تطـوراتی را از سر گذرانده که عمدتاً مربوط به محدودهٔ کارآمدی عقل است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در دورهٔ اول حاکمیت مسیحیت در اروپا ... می‌گفتند که ایمـان قوی از آن کسی است که در برابر چون‌وچراهـای عقـل بایسـتد و در ایمـان خود استوار بماند.

گزینهٔ «۲»: در ابتدای دورهٔ رنسـانس (پـس از دورهٔ دوم حاکمیـت کلیسـا)، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به‌تدریج رشد کرد؛ به‌گونه‌ای که فیلسـوفان اروپا به دو دستهٔ «عقل‌گرا» و «تجربه‌گرا» تقسیم شدند.

گزینهٔ «۳»: دکارت که با ریاضیات به‌خوبی آشنا بود، به همهٔ توانایی‌های عقـل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

(فلسفهٔ (۲)، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

تلاشی در مسیر موفقیت

ترنج بوک

- دانلود گام به گام تمام دروس
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی
- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- مشاوره کنکور
- فیلم های انگیزشی

Www.ToranjBook.Net

ToranjBook_Net

ToranjBook_Net